

کارگر امروز

نشریهٔ انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol. 2, No. 15, July 1991

سال اول، شماره ۱۵ تیر ۱۳۷۰

جمهوری اسلامی در منگنه بازخواست شکل های کارگری جهان

کمیته همبستگی بین المللی فرانسه:

ما میخواهیم قانون کاری که حقوق بدیهی کارگران ایران را تامین کند جانشین قانون کار اسلامی شود



مرکز خبری کارگر امروز: در ادامه تصویب قطعنامه‌های اعتراضی از سوی اتحادیه‌ها، سازمانها و شخصیت‌های جنبش کارگری کشورهای مختلف در محکوم ساختن سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی، اتحادیه کارگران خدمات شهری آمریکا، "یو. دی. پی. او. ای"، اتحادیه کارگران برق، رادیو و ماشین آلات آمریکا، "یو. ای. اف. تی"، و فدراسیون معلمان آمریکا، "ای. اف. تی"، کنگره حزب "مبارزه سوسیالیستی" در کانادا، بخش زنان اتحادیه سراسری کارگران اتریش و کمیته همبستگی بین‌المللی در فرانسه نیز به کمپین دفاع بین‌المللی از حقوق کارگری ایران پیوستند.

در پی تماس‌های فعالین حزب کمونیست ایران و تلاش‌های "علی جوادی" همکار ما در آمریکا، "ایمی آر. نیوتل" دبیر کل اتحادیه کارگران برق، رادیو و ماشین آلات آمریکا، طی نامه شدید الحنی خطاب به حافظ منافع دولت ایران در آمریکا، ضمن بر شمردن جوانب کوناگون نقض حقوق کارگران ایران، خواستار اطلاع از اقداماتی شده است که دولت جمهوری اسلامی برای رفع عملکردهای ضد کارگری خود در دستور می گذارد. (متن کامل این نامه در همین شماره به چاپ رسیده است).
بقیه در صفحه ۲

"همبستگی کارگری مرزی نمی شناسد"، این عنوان یکی از تازه‌ترین دیدنیهای مرکز شهر لوس آنجلس در آمریکا است. نقاشی دیواری محسور کننده‌ای که "مایک آلویس" عضو سندیکای تابلو نویس آن را کشیده است.

کارگران کارخانه جام دارو:

افزایش دوهزار تومانی دستمزد هیچ کمکی به کارگران نکرده

شرکت صنعتی جام دارو با صدها کارگر، سازنده انواع تیوبهای آلومینیومی و سایر ظروف بسته بندی دارو، از جمله کارخانه‌هایی است که طی سالهای گذشته سیر صعودی در تولید و سودآوری بالایی داشته است.

"خضرائی" مدیر عامل شرکت به "پیش از یکصد میلیون تومان سود سالانه" و البته اعلام شده شرکت اذعان می کند. گروهی از کارگران این شرکت در فروردین - اردیبهشت امسال در گفتگو با روزنامه کار و

گفتگو با آندره بالده درباره

اعتصاب سراسری کارگران راه آهن فرانسه

فرانسه را مختل کرد. پیرامون مسائل این اعتصاب نادر بکتاش همکار کارگر امروز گفتگویی با "آندره بالده" کارگر راه آهن و دبیر "ث. ژ. ت." در بخش فدرال جنوب غربی پاریس که از فعالین این اعتصاب بود انجام داده است که بخشهایی از آنرا می خوانید. بقیه در صفحه ۶

در ۴ روز مختلف در ماه مه به فراخوان ۵ اتحادیه کارگری در راه آهن فرانسه کارگران دست به اعتصاب سراسری زدند. این اعتصابات که در اعتراض به لایحه تغییر سن باز نشستگی و افزایش دستمزد صورت گرفت عبور و مرور در حومه پاریس و در سراسر

کارگر، ناشر افکار شوراهای اسلامی، در پاسخ به سئوالات معینی که مطرح گردیده برخی مسائل خود را مطرح کرده‌اند که فشرده‌ای از آنرا می خوانید: بقیه در صفحه ۳

بیکاری در آلمان

بهمین شفیق ارتش بیکاران در شرق آلمان در ماه آوریل به رقم ۸۳۷ هزار رسید. یعنی از هر ده نفر کارگر یک نفر بیکار شده است. در ماه گذشته بیش از صد هزار نفر کارشان را از دست داده‌اند. همزمان تقریباً ۸۱ هزار نفر در پروژه‌های ایجاد اشتغال مثل دوره‌های آموزشی پیشرفت‌نفر و بازآموزی جذب شده‌اند. تعداد کارگران مشغول به کار کوتاه مدت کم‌کم در رقم بالای دو میلیون نفر مانده است که از این تعداد بسیاری دیگر اصلاً کار نمی کنند. در مقابل در غرب آلمان رونق بهاره با سرعت کمتری ادامه داشته است. بنیاد فدرال کار آلمان در هفتم ماه مه اعلام کرد که در غرب تعداد بیکاران در ماه آوریل با یک کاهش ۷۹ هزار نفره به رقم بقیه در صفحه ۸

آمریکای لاتین کشتارگاه فعالین کارگری

مرکز خبری کارگر امروز: کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری اعلام کرد که آمریکای لاتین خطرناک ترین منطقه جهان برای فعالیت اتحادیه‌های است. در کشور کلمبیا به تنهایی در طی ۱۵ ماه، ۱۳۸ فعال کارگری به قتل رسیده‌اند. به گزارش تایمزمالی، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری که متشکل از ۱۴۴ اتحادیه در ۱۰۱ کشور است در گزارش سالانه‌اش که در ژنو به چاپ رسید نوشت: در طی ۱۵ ماه در جهان ۲۶۴ نفر بخاطر مبارزه برای منافع کارگران به قتل رسیده‌اند و در ۷۲ کشور بدلائیل مشابه مجموعاً ۲۴۴۲ مورد بازداشت و دستگیری وجود داشته است. فشارهای ناشی از

پیام (یرو) عضو مرکزیت فدراسیون مستقل کارگران پکن به کارگران جهان دولت چین موج تازه‌ای از محاکمات فعالین جنبش مه - ژوئن ۱۹۸۹ را تدارک می بیند

اوت ۹۰ به ۱۴ سال زندان محکوم شد. جرم او را "عوامفریبی ضدانقلابی" اعلام کردند. در این شرایط یک کمیسیون بین المللی تحقیق کارگری تشکیل شد که هدف آن اعزام نمایندگان به چین برای ملاقات زندانیان و خانواده‌های آنها بود. مقامات دولتی برای عقیم گذاشتن این پروژه تقاضاهای ویزای ورود به چین را که در ۵ کشور تسلیم سفارتخانه‌های آن شده بود رد کردند.

از تابستان ۱۹۸۹ تاکنون بسیاری از کارگران تحت عنوان ارتکاب جرائم عادی محکوم شده‌اند. در فاصله ژانویه تا اکتبر، از میان ۴۹ نفر که محکوم به مرگ شده‌اند و اسامی آنها را دولت اعلام کرده است، ۴۵ نفر کارگر بوده‌اند. توهین و شکنجه‌ای که به کارگران زندانی اعمال می شود، پدیده‌ای عادی و روزمره است. اعضای فدراسیون مستقل کارگران پکن هنوز در زندان بسر می برند. از میان آنها باید "هان دونگ فانگ" و "لیوکوانگ" را نام برد که در شرایط بسیار سختی گرفتارند. "لی ژین ژین" مشاور حقوقی فدراسیون در ماه

مصاحبه با الکساندر کویروز سوریانو و الکساندر آلوارز پیرامون جنبش کارگری مکزیک
صفحه ۹

مصاحبه با محسن سعیدی فر پیرامون جنبش کارگری ایران و مسائل شرکت واحد
صفحه ۸

کارگر امروز

برگزاری مراسم مستقل روز کارگر توسط کارگران فلزکار و مکانیک تهران

مرکز خبری کارگر امروز: صدها کارگر فلز کار و مکانیک تهران به همت تعاونی این صنف روز جهانی کارگر را در مراسم مستقل خویش برگزار کردند. تعاونی فلزکار و مکانیک، بدلیل فقدان فضای کافی در محل تعاونی، کوشش کرد تا مراسم را در محل دانشگاه پزشکی واقع در چهار راه لشکر که در نزدیکی تعاونی است، برگزار کند. اما با امتناع مقامات مربوطه مراسم اول مه در یکی از تالارهای پذیرایی تهران برگزار گردید. به گزارش حزب کمونیست ایران، جشن از ساعت ۵ بعداز ظهر روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت، با شرکت حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از کارگران و خانواده آنها آغاز شد. تعدادی از کارگران سخنرانی کردند و ضمن اشاره

به تاریخچه و اهمیت اول مه کاهش بیش از پیش دستمزد واقعی کارگران در سال ۷۰ را مورد انتقاد قرار دادند، و همچنین خواستار این شدند که کارگران برای برگزاری اول مه محل مستقل خود را داشته باشند. در این مراسم نمایشی برگزار گردید که طی آن موقعیت کارگری که با حکم اخراج روبرو می گردد به صحنه آورده شده بود. در طی مراسم رقص دسته جمعی تعدادی از مردان و زنان کارگر اجرا شد، روز کارگر به زبانهای ارمنی، آذری، گیلکی و مازندرانی تبریک گفته شد و همچنین چند شعر خوانده شد. در پایان گلهایی که برخی از شرکت کنندگان با خود آورده بودند به رسم همبستگی توزیع شد.

اعتراض یک کارگر چاپ به بیمه‌های اجتماعی:

به مرگ گرفته‌اید که به تب رضایت دهیم

درصد معلولیت دست راست، ماهیانه ۴۴۲۰ ریال دریافت می‌کنم. صورتیکه در مکانی که فعلا مشغول کار هستم ماهیانه بیش از دو برابر مستمری دریافتی، حق بیمه می‌دهم. در بهمن ماه گذشته جهت دریافت مستمری به بانک مربوطه مراجعه نمودم بعد از ساعتها معطلی فرمودند که به دفتر پست مراجعه کنم که در آنجا هم چند ساعتی معطل شدم و حقوق عقب مانده‌ام را دریافت کردم. برادر غرضی، از شما می‌پرسم یک پول چکر که سبزه قلمکار نمی‌خواهد. برادر بگویند در کجای دنیا یک دست راست با ۴۰ درصد معلولیت، آنهم با تأیید پزشکان شما، ماهیانه ۴۴۲۰ ریال حق مستمری دارد؟ آیا ترا بخدا این مبلغ را با این همه درد سر شما حاضر بودید دریافت کنید. دکترهای محترم که حاضر به ویزیت ما بیمه شدگان نیستند. داروخانه‌ها هم اگر دارو داشته باشند، بیش از نصف آنرا تحویل نمی‌دهند. وضع مستمری بگیر هم بعد از هجده سال مثل من است. پس بگویند این سازمان که از حقوق و دست رنج کارگران زحمتکش و شرافتمند سرپا نگاهداشته شده است، چه خواهد کرد و جواب ما چیست؟ راستی خودتان باور ندارید که به مرگ گرفته‌اید کعبه تب رضایت دهیم

مرکز خبری کارگر امروز: در پی بالا گرفتن دعوای خانه کارگر جمهوری اسلامی و سازمان تامین اجتماعی، که خود گوشه‌ای از کشاکش بر سر تصاحب سرمایه‌های عظیم این سازمان است، روزنامه کار و کارگر ناشر افکار خانه کارگر اقدام به انعکاس جنبه‌های اعتراضات کارگران نسبت به عملکرد سازمان تامین اجتماعی و خدمات بسیار نازل بیمه‌های اجتماعی در ایران می‌کند. نامه اعتراضی "حسین دهنادی" کارگر چاپخانه‌های تهران خطاب به "غرضی" مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی نمونه‌ای از اینگونه اعتراضات است: "حدود هجده سال قبل بر اثر حادثه‌ای در چاپخانه‌ای دست راستم مجروح شد. بعد از یکسال مداوا با تشکیل کمیسیون پزشکی آن سازمان دست راستم را چهل درصد از کار افتاده تشخیص دادند. از آن زمان تا چندین سال ماهیانه ۱۳۳۰ ریال بابت مستمری دریافت می‌کردم تا اینکه سال ۱۳۶۶ مستمری مرا قطع کردند. وقتی جهت پیگیری به بیمه مراجعه نمودم گفتند که به شما مستمری تعلق نمی‌گیرد. با اصرار فراوان مجدداً کمیسیون پزشکی تشکیل گردید و رای قبلی مورد تأیید قرار گرفت و دوباره حقوق مستمری برقرار شد و اکنون با سابقه هجده سال ۴۰

کمیسیون کار مجلس برای رسیدگی به اعتراضات کارگران به تیریز اعزام شد

مرکز خبری کارگر امروز: در پی اعتراضاتی که حوالی آغاز سال جاری در چند کارخانه تیریز جریان داشته است، اعضای کمیسیون کار مجلس اسلامی به ریاست هاشمی و همراهی معاون وزارت صنایع سنگین، در ۲۳ اردیبهشت ماه به تیریز عزیمت کردند و با مدیران و کارگران کارخانه‌های مختلف این شهر جلساتی برگزار کردند.

به گزارش روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی، هیات مذکور من جمله از کارخانجات ماشین سازی، صنایع پمپیران، تراکتور سازی، موتورز و درمن دیزل بازدید کردند و "در جریان مسائل کار و کارگری این واحدها و تنگناهای حقوقی در این رابطه قرار گرفتند". بنا به همین گزارش اعضای کمیسیون کار و امور اجتماعی سپس در جمع مدیران و کارگران شرکت‌های مختلف که در شرکت پمپیران گرد آمده بودند، "پیرامون ضرورت هماهنگی و وحدت بیشتر بین کارگران و کارفرماها در جهت تولید بیشتر و بهتر به ایراد سخن پرداختند".

از سوی دیگر در نامه‌ای با امضای "یکی از کارگران کارخانجات تیریز" که در روزنامه کار و کارگر به چاپ رسید، نویسنده با اشاره به سفر فوق‌الذکر نوشت: "متأسفانه اینگونه مسافرتها اغلب از مسیر اصلی خود خارج شده و به جای درد دل با کارگران به درد دل با مدیران و رسیدگی به مسائل آنان می‌انجامد".

ملاقات «حق ایش» ترکیه با «خانه کارگر» جمهوری اسلامی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۶ اردیبهشت ماه گذشته هیاتی از جانب اتحادیه کارگری "حق‌ایش" ترکیه، برای یک دیدار چهار روزه وارد تهران شد و از جانب علی‌رضا محجوب دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی مورد استقبال قرار گرفت. این هیات که بنا به نوشته روزنامه "کار و کارگر" توسط "نجاتی چلیک" رئیس اتحادیه حق‌ایش سرپرستی می‌شد، در بدو ورود بر سر قبر خمینی رفت، از خانه کارگر و دفتر روزنامه کار و کارگر بازدید بعمل آورد و به تقاضای خود برای زیارت به شهر قم و سپس به صفحات عزیمت کرد. محجوب در مراسم استقبال از این هیات تأکید کرد که "یکی از اهداف ما در دعوت از کشورهای مسلمان این است که تلاش می‌کنیم رابطه بین کارگران کشورهای مسلمان جهان گسترش یابد".

جمهوری اسلامی در...

بقیه از صفحه اول

در ادامه همین تلاشها، "سم وین استین" یکی از مسئولین منطقه‌ای اتحادیه کارگران خدمات شهری آمریکا، طی نامه مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۱ به حافظ منافع ایران در واشنگتن، ضمن محکوم ساختن اعدام کارگران مبارز از جمله "جمال چراغ ویسی" و "عبدالله بیوسه"، و با ابراز خشم و نگرانی از "شرایط برده‌واری که جمهوری اسلامی در انتهای قرن بیستم ایجاد کرده"، متذکر گردیده است: "شما نمونه وحشتناکی در بین تمام کشورهای غیر متعهد ارائه می‌کنید و بهانه به دست دولت ما در آمریکا می‌دهید که او نیز با ما چنین رفتار کند".

از سوی دیگر بخش ۱۹۹۰ از "فدراسیون معلمان آمریکا" طی قطعه‌نامه‌ای با اشاره به فقدان حق اعتصاب و تشکل، اعدام کارگران، قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و بی حقوقی کارگران مهاجر افغانی، تصویب کرده است که از حق اعتصاب و تشکل در ایران دفاع می‌کند، و از سازمان جهانی کار مصراحت می‌خواهد که رژیم ایران را بخاطر نقض آشکار و مداوم حقوق کارگری اخراج کند. بخش مذکور همچنین تصویب کرده است که این قطعه‌نامه را در فدراسیون سراسری معلمان آمریکا جهت تصویب طرح کند.

در کانادا نیز، کنگره حزب "مبارزه سوسیالیستی" جمهوری اسلامی را از "جمله بعثت برسمیت نشناختن حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران و اعدام جمال چراغ ویسی محکوم ساخت. چند تن از شرکت کنندگان در این کنگره که در نیمه دوم ماه مه

در شهر مونترال برگزار شد و "آرام مشیر" از همکاران کارگر امروز در کانادا بعنوان مهمان و ناظر در آن شرکت داشت. در دفاع از کارگران ایران و قطعنامه پیشنهادی سخنرانی کردند و جمهوری اسلامی را بعثت تصویب یک قانون کار ضد کارگری محکوم ساختند. همچنین در پی نامه اعتراضی و بیانیه مطبوعاتی اتحادیه سراسری کارگران اتریش علیه پایمال شدن حقوق کارگران ایران، بخش زنان این اتحادیه نیز بطور جداگانه طی نامه مورخ ۳۰ / ۴ / ۹۱ خطاب به "حسین نقره کار شیرازی"، سفیر جمهوری اسلامی در اتریش، به دفاع از حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران برخاست و دستگیری و شکنجه و اعدام کارگران و اعدام جمال چراغ ویسی را محکوم کرد.

بعلاوه "هانس یورگ شلستر"، دبیر کل "فراکسیون چپ" در اتحادیه سراسری اتریش، نیز طی نامه‌ای با مضمون مشابه و خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در اتریش خواهان حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران شد.

در فرانسه "کمیته همبستگی بین المللی" طی یک نامه به سفیر ایران در فرانسه که رونوشت آن برای خانه کارگر، وزارت کشور و وزارت کار جمهوری اسلامی نیز ارسال شده است اعدام جمال چراغ ویسی و عبدالله بیوسه را محکوم کرده و خواهان حق

اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران و توقف اخراج کارگران بعثت فعالیت در محل کار شده است. در بخشی از این نامه آمده است "ما می‌خواهیم قانون کاری که حقوق بدیهی کارگران ایران را تأمین کند جانشین قانون کار اسلامی شود".

متن کامل نامه اتحادیه کارگران برق، رادیو و ماشین آلات آمریکا (یو.ئی)

آقایان عزیز، من این نامه را از جانب ۸۰ هزار عضو و مسئولین "کارگران متحده برق، رادیو و ماشین آلات آمریکا - یو.ئی" بریتان می‌نویسم. مطلع شدیم که رژیم ایران در طول ۱۱ سال حاکمیت خویش رهبران و فعالین کارگری را اعدام، زندانی و شکنجه کرده است. همچنین اطلاع یافتیم که رژیم ایران جمال چراغ ویسی، کارگر خدمات شهری و یکی از پنهانگذاران اتحادیه صنعتگر، و عبدالله بیوسه فعال کارگری و عضو اتحادیه کارگران ناپویان میوان را اعدام کرده است. همچنین آگاهی یافتیم که رژیم ایران در حال حاضر صدها فعال کارگری و هزاران زندانی سیاسی را زندانی کرده است. سیاستهای ضد کارگری دولت شما تکان دهنده و خشم برانگیز است. دولت شما با تصویب قانون کاری که حق ایجاد سازمانهای مستقل و آزاد را برسمیت نمی‌شناسد، با سرکوب اعتصابات و با وضع قوانین تبعیض آمیز علیه زنان کارگر، با برسمیت نشناختن حق مذاکرات دسته جمعی واقعی و با قانونیت بخشیدن به کار

کودکان، تمام حقوق کارگری برسمیت شناخته شده در سطح جهان را، که کارگران برای بدست آوردن آن مبارزه کرده‌اند، زیر پا می‌نهد. همچنین عمیقاً نگران شرایط کار و زندگی کارگران ایران هستیم. دستمزدهای نازل، هزینه سنگین زندگی و مسکن، نرخ بالای بیکاری، فقدان بیمه بیکاری و اظهارات عریان وزیر کازتان که ایران نیروی کار ارزانی دارد، همه اینها ما را به شدت نگران می‌کند. ما سیاستهای ضد کارگری دولت شما را شدیداً محکوم می‌کنیم. ما اعدام جمال چراغ ویسی و فعالین کارگری دیگر را محکوم می‌کنیم. ما قانون کار تصویب شده توسط دولت شما را محکوم کرده و خواستار آزادی تمام فعالین کارگری و زندانیان سیاسی و برسمیت شناخته شدن حق اعتصاب و حق ایجاد سازمانهای مستقل کارگری هستیم. لطفاً مرا در جریان اقداماتی که دولت ایران در نظر دارد جهت رفع عملکردهای ضد کارگری که شرح شان در این نامه رفت انجام دهد، قرار دهید.

شب همبستگی با کارگران ایران در دانمارک و سوئد

اترنا سول آغاز گردید و ترانه‌های "جهیل" توسط یک کارگر سوئدی اجرا شد. در ادامه نماینده حزب "آرتار لیستان" (لیست کارگری) سوئد پیام همبستگی قرائت کرد و یکی از اعضای شورای پنهانندگان ایرانی در مالمو در رابطه با همبستگی کارگری سخنرانی کرد. در این اجتماع گروه‌هایی از کارگران و پنهانندگان ملیتهای مختلف شرکت کردند. همچنین در پی تلاشهای فعالین حزب کمونیست، ۲۳ نفر از مدرسین و کارکنان مرکز کار آموزی "لیلهامن" در سوئد قطعه‌نامه‌ای از محکومیت جمهوری اسلامی، اعدام جمال چراغ ویسی و همچنین حمایت از حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران امضا کردند.

چاپچی‌های دانمارک و خبرنگاری از ترکیه به سخنرانی در این اجتماع پرداختند. در این مراسم فیلمی از اعتصاب کارگران ذوق‌نولدق به نمایش درآمد و بر ضرورت همبستگی بین کارگران دانمارکی و کارگران خارجی تأکید شد. همچنین در مورد اوضاع کارگران ایران صحبت شد، اعدام جمال چراغ ویسی محکوم گردید و بر خواست آزادی اعتصاب و تشکل برای کارگران تأکید گردید.

مرکز خبری کارگر امروز: بمناسبت فرارسیدن اول مه، در کپنهاک پایتخت دانمارک و همچنین در شهر مالمو در جنوب سوئد، شبهای همبستگی با کارگران ایران برگزار گردید. شب همبستگی در کپنهاک در ۲۵ آوریل و به دعوت شورای پنهانندگان ایرانی و جنبش دستهای بیکار دانمارک فراخوان داده شده بود که پیش از صد نفر در آن شرکت کردند و علاوه بر سخنرانی از دو تشکل فوق، نماینده اتحادیه‌ی

ISSN 1101-3516 Tryck: HS Offset AB 1991

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

Bank Account: حساب بانکی 5201-3306202 S.E. Banken Stockholm, Sweden

صفحات انگلیسی: بهرام سروش مرکز خبری، مصطفی صابر، لسرین چلائی، لایلا دانش، مریم کوشا، آذر ماجدی. امور اجرایی: فریده آرمان، فهیمه قطبی، ایرج فرزاد، علی کهن. صفحه بندی: فورمت. سیستم نووسی: برنامه کامپیوتری اینیسافت.

Address: آدرس W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد - بها برای موسسات دو برابر قیمت‌های فوق است (تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه لطفاً نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____ Address _____ Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پرشده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

W.T. P.O.Box 241412 L.A., CA 90024 USA

کارگر امروز

کارگران کارخانه جام دارو:

افزایش دوهزار تومانی دستمزد هیچ کمکی به کارگران نکرد

بهداشت محیط کار اعتراض می کنند: در این قسمت توب، ما از چیزی که زیاد رنج می بریم، بوی رنگ و تینر است بطوریکه شبها از سوزش چشم خوابان نمی برد.

انجمن اسلامی و آینده مبهم

انجمن اسلامی کارخانه جام دارو از سال ۱۳۶۰ تشکیل شده است و همالند غالب انجمنهای اسلامی تعداد اعضای آن زیر ده و ۷ نفر است. یکی از اعضای انجمن "با اشاره به این که به اعتقاد عدهای با پایان یافتن جنگ دیگر نیازی به ادامه فعالیتهای انجمنهای اسلامی نیست، پیرامون نقش انجمنهای می گوید: انجمن اسلامی همانطور که از نامش پیداست انجمن اسلامی است نه انجمن جنگ. اسلام که همواره وجود دارد و نظام ما هم که اسلامی است پس انجمنهای اسلامی نیز باید همیشه در محیطهای مختلف حضور داشته باشند." یکی دیگر از اعضای انجمن می گوید: "ما بحث انجمن اسلامی را جدا از جامعه مطرح نمی کنیم، اکنون مشکلات اقتصادی و فرهنگی بسیاری در سطح جامعه مطرح است و انتظار که باید و شاید فرهنگ اصیل اسلامی

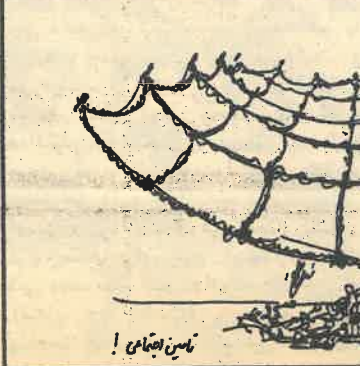
تحت پوشش این سازمان عریض و طویل هستند بسیار بد عمل می کنند. و من معتقدم که هیچیک از کارگران از عملکرد بیمه رضی نیستند." کارگر دیگری اضافه می کند: "برای مثال من برای معالجه چشم همسرم با دفترچه بیمه به چند بیمارستان مراجعه کردم که متأسفانه هیچکدام قبول نکردند. من با هزار بدبختی و پرداخت مبلغ چهل و پنج هزار تومان توانستم چشم همسرم را معالجه کنم. این نمونه کوچکی از مشکلات ما کارگران است. در صورتیکه تمام سرمایههای سازمان بیمه متعلق به کارگران است..."

کارگر حقوق خود را نکرده، بیمه سهم خود را برمی دارد. زنی زمانیکه قرار است کارگر از سرویسهای خدماتی و درمانی سازمان استفاده کند نه تنها دفترچه خدمات درمانی در جامعه دارویی و پزشکی کشور اعتبار ندارد، بلکه سازمان نسبت به دیگر تعهدات خود نیز بخوبی عمل نمی کند. من هفت روز استراحت پزشکی داشتم. وقتی به بیمه مراجعه کردم مبلغ بسیار ناچیزی حدود ششصد تومان به من دادند. اعتراض کردم و گفتم که حقوق من روزانه بالای دویست تومان است چرا اینقدر کم پرداخت می کنند؟ در پاسخ گفتند همین است که هست؟ ما بیشتر از این پرداخت نمی کنیم. گفتم شما یک مقام مسئولی را معرفی کنید تا با او صحبت کنم. گفتند به هرکجا می خواهی شکایت کن، ما بیش از این نمی دهیم. این دستور خود مدیر عامل است.

دولت باید به عمق این فاجعه توجه کند که صنعت کشور در آینده دستخوش یک سری نارضایتی از سوی کارگران نگردد

"ایران هورمون" نام جدید شرکت "ایران اورگان" است که در سال ۱۳۴۳ تاسیس شده و در سال ۶۰ تغییر نام داده است. این شرکت از دو قسمت تولید و بسته بندی تشکیل شده و بدلیل سر و کار داشتن مستمر با داروهای هورمونی، کارگران در معرض بیماریهای خطرناک هستند، با اینوصف فشار بیماری و فلاتکت حتی کارگران با سابقه ۲۰ سال کار در این شرکت را مجبور کرده که به کار خود ادامه دهند.

روزنامه کار و کارگر ارگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی در دیداری از این کارخانه در اردیبهشت ماه



جاری، یا کارگران، انجمن اسلامی و مدیران شرکت گفتگو کرده است که طی آن کارگران به کراتی و تورم اعتراض کرده و بر بی تأثیر بودن افزایش دستمزدها در سال جاری تأکید کرده اند.

یکی از کارگران زن سالن تولید کارخانه با ۱۱ سال سابقه کار می گوید که افزایش مبالغی مثل همین دو هزار تومان، نه تنها هیچ دردی را دوا نکرده، بلکه باعث افزایش قیمتها بطور سرسام آوری شده است. کارگر زن دیگری از قسمت بسته بندی ضمن صحبت در مورد کراتی و تورم و بی توجهی مسئولین به مشکل مسکن کارگران می گوید: "دولت باید به عمق این فاجعه توجه کند که صنعت کشور در آینده دستخوش یک سری نارضایتی از سوی کارگران نگردد." و زن کارگر دیگری می گوید که افزایش حقوق هیچ فرقی به حال ما نکرده است و قیمت اجناس تا دو برابر افزایش یافته، باید نرخ تورم کاهش پیدا کند."

کارگران در ادامه صحبت ها به وضع

نست. لذا باید به تبلیغ همه جانبه فرهنگ اسلامی از رسانها اقدام کنیم تا به نتیجه مطلوب برسیم. البته انجمن اسلامی این شرکت و سایر کارخانهها در حد توان خود تلاش می کنند ولی با توجه به جو موجود در جامعه ممکن است این تلاشها بی اثر بماند.

یکی دیگر از اعضای انجمن از فقدان قانون برای فعالیتهای انجمن اسلامی سخن می گوید و اینکه "هنوز در برخی شرکتها انجمن اسلامی قانونی به حساب نمی آید." و عضو دیگری با تردید از وضعیت انجمنهای اسلامی در قانون کار تازه سخن می گوید: "با توجه به اینکه در این قانون انجمنهای اسلامی تحت نظر وزارت کار و با همکاری فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی به انجام وظایف خود می پردازند که چنانچه بین این دو هماهنگی لازم وجود داشته باشد و آنها در کنار همدیگر فعالیت کنند و تداخل کاری بوجود نیاید، نتایج مطلوب خواهد بود."

ناپسامان بیمههای درمانی نیز اعتراض کرده و یکی از آنها می گوید که ماهیانه ششصد تومان حق بیمه این بیمه نمی کنم یعنی به هر مرکز درمانی و یا مطبی که مراجعه می کنم می گویند ما بیمه نیستیم.

کارگران شرکت ایران هورمون به وضعیت مسکن هم معترضند. یکی از زنان کارگر قسمت بسته بندی شرکت می گوید: "در همین کارخانه ما کارگرانی داریم که دوازده سال سابقه کار دارند ولی هنوز فاقد مسکن هستند. آیا کارگری با این سابقه حق داشتن یک آپارتمان در این مملکت اسلامی را ندارد، در حالیکه در قانون اساسی داشتن مسکن از حقوق اولیه کارگران و تمام مردم ذکر شده است." در ادامه همین صحبت یکی دیگر از زنان کارگر بر قیمت بالای زمین های پیشنهادی اتحادیه اسکان و یا مکان نامناسب و دور از شهر از طرف کارخانه و می گوید: "از طرف دیگر پرداخت مثلا ۵۰۰ هزار تومان، از شرایط دریافت زمین یا مسکن است، در صورتیکه اگر کارگران این پول را داشتند خودشان می توانستند مسکن تهیه کنند و احتیاجی به ارگان هایی مانند اتحادیه اسکان نبود."

در شرکت دارویی ایران هورمون، تا سال ۶۴ شورای اسلامی وجود داشته و از آن پس بدلیل به حد نصاب رسیدن انتخابات، شورایی با نگرفته است. روزنامه کار و کارگر از قول یکی از اعضای سابق همین شورای اسلامی منحل شده کارخانه می نویسد که در ابتدا میزان سوددهی شرکت صفر بود ولی بعد وضع چنان شد که "این کارخانه از لحاظ تولید و دیگر موارد به مقام دوم برسد و شویون نامه دریافت نماید." در همین رابطه خیرآبادی یکی از مدیران شرکت می گوید که "تولید و فروش شرکت ظرف ۶ - ۵ سال گذشته بیشتر از دو برابر افزایش یافته است."

و بالاخره اینکه مدیر عامل شرکت ایران هورمون در میزگرد مدیران شرکت با روزنامه کار و کارگر بر ضرورت افزایش قیمت دارو تأکید کرده و می گوید که پایین بودن قیمت دارو باعث مصرف بی رویه آن، قاچاق دارو و کاهش نقدینگی شرکت های دارویی است!

نست. لذا باید به تبلیغ همه جانبه فرهنگ اسلامی از رسانها اقدام کنیم تا به نتیجه مطلوب برسیم. البته انجمن اسلامی این شرکت و سایر کارخانهها در حد توان خود تلاش می کنند ولی با توجه به جو موجود در جامعه ممکن است این تلاشها بی اثر بماند.

یکی دیگر از اعضای انجمن از فقدان قانون برای فعالیتهای انجمن اسلامی سخن می گوید و اینکه "هنوز در برخی شرکتها انجمن اسلامی قانونی به حساب نمی آید." و عضو دیگری با تردید از وضعیت انجمنهای اسلامی در قانون کار تازه سخن می گوید: "با توجه به اینکه در این قانون انجمنهای اسلامی تحت نظر وزارت کار و با همکاری فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی به انجام وظایف خود می پردازند که چنانچه بین این دو هماهنگی لازم وجود داشته باشد و آنها در کنار همدیگر فعالیت کنند و تداخل کاری بوجود نیاید، نتایج مطلوب خواهد بود."

نامهای از ایران،

خفقان و فشار کار در کارخانه صنایع فلزی شماره ۲

تومان است. کارگران میگویند اگرچنین پولی داشتیم که به شامحتاج نبودیم.

تشدید فشار کار

بعد از پایان جنگ فشار بر کارگران بیشتر شده است. دولت می گوید دوران بازسازی است و کارگران باید بیشتر کار کنند. بخصوص از زمان شروع برنامه پنج ساله رفسنجانی هر روز مدیریت یک نامه می دهد که کارگران باید اضافه کاری کنند. که اگر اضافه کاری نکنند از اضافه حقوق خبری نیست. یا می گوید که کارگران باید موقع جای خوردن هم، جدا از یکدیگر بنشینند و در محیط کار تجمع نکنند. هر روز یک آئین نامه انضباطی، در حالیکه مزدها همچنان پایین است.

در این کارخانه از چهار ماه پیش کارگران روزمزد مشغول بکار شدند. به آنها گفته شد کارخانه هیچ تعهدی نسبت به آنها ندارد - از قبیل بیمه، پاداش اضافه تولید و غیره - و آنها باید در ازای مزدی که می گیرند، از ۶ غروب تا ۶ صبح، یعنی دوازده ساعت در شب کار کنند. حقوق این کارگران بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ تومان است بدون هیچگونه مزایا. و اکثرا با سواد و کارگر فنی هستند مثل جوشکار و آهنگر.

چنین است که تولید کارخانه صنایع فلزی که قبل از جنگ هفتای ۶۰ تن بود حالا به هفتای ۲۰۰ تن افزایش یافته است.

نرس از زمان

در کارخانه صنایع فلزی شماره ۲ تمامی نهادها کنترل دولتی، انجمن اسلامی، شورای اسلامی، بسیج و حراست وجود دارد. بدلیل حاکمیت انجمن اسلامی و بسیج و متشکل نبودن کارگران پیشرو، وحشت از دستگیری و شکنجه بالاست و سطح اعتراض پایین. کارگران که اکثرا قدیمی هستند می گویند ما بعد از پنج یا سه سال بازتست می شویم و می رویم دنبال کارمان، این دولت ضد کارگر است و اگر حرف بزنیم پدرمان را در می آورد. باید دندان روی چکر بگذاریم تا این مدت بگذرد.

کار ارزانه، کارگر خاموش، میزگرد بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی

شرکت کنندگان در میزگرد: ابراهیم آفرین، حسینقلی، ناصر جاوید، منصور حکمت، شیلا دانشگر، رضا مقدم، محسن صابر

انتشارت سامان - مهرماه ۶۹، ۳۲۰ صفحه

کارگران، کارگر خاموش، من ممانت میزگردی است که طی ماههای گذشته چندین بار از صدای حزب کمونیست ایران پیش شده است. "کار ارزانه، کارگر خاموش" نقد کهنه های از طرح قانون کار جمهوری اسلامی است و ممانت ارجمندی این رژیم را در برهه به طیف کارگر پرورشی نشان می دهد. از مجموعه ممانت "کار ارزانه، کارگر خاموش"

تعداد زیادی از کارگران کارخانه جام دارو زن هستند. اما خیرنگار کار و کارگر سوالي در مورد مسائل زنان مطرح نمی کند. یکی از زنان کارگر در پاسخ به سوالي در مورد دستمزد می گوید: "مطلب دیگری که من روی آن اعتراض دارم، تبعیض است که بین زن و مرد گذاشته می شود. من معتقدم که در جامعه برای مردها آموزش بیشتری قائل هستند تا زنها. هر چند که زنان از نظر کار و تخصص با مردان برابر باشند."

همچنین برخی کارگران نیز به عدم

تعداد زیادی از کارگران کارخانه جام دارو زن هستند. اما خیرنگار کار و کارگر سوالي در مورد مسائل زنان مطرح نمی کند. یکی از زنان کارگر در پاسخ به سوالي در مورد دستمزد می گوید: "مطلب دیگری که من روی آن اعتراض دارم، تبعیض است که بین زن و مرد گذاشته می شود. من معتقدم که در جامعه برای مردها آموزش بیشتری قائل هستند تا زنها. هر چند که زنان از نظر کار و تخصص با مردان برابر باشند."

همچنین برخی کارگران نیز به عدم

۲۵٪ تخفیف برای مشترکین کارگر امروز

مشترکین میتوانند کتاب "کار ارزانه، کارگر خاموش" را با ۲۵٪ تخفیف (با هزینه پست معادل ۶۰ کرون سوئد) از مرکز آبهومان نشریه دریافت کنند.

یک انتقاد سوسالیستی از مناسبات کار و سرمایه و مطالبات سوسالیستی برای اصلاحات فوری در وضعیت طبقه کارگر در ایران به دست داده میشود.

کار ارزانه، کارگر خاموش، میزگرد بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی

شرکت کنندگان در میزگرد: ابراهیم آفرین، حسینقلی، ناصر جاوید، منصور حکمت، شیلا دانشگر، رضا مقدم، محسن صابر

انتشارت سامان - مهرماه ۶۹، ۳۲۰ صفحه

کارگران، کارگر خاموش، من ممانت میزگردی است که طی ماههای گذشته چندین بار از صدای حزب کمونیست ایران پیش شده است. "کار ارزانه، کارگر خاموش" نقد کهنه های از طرح قانون کار جمهوری اسلامی است و ممانت ارجمندی این رژیم را در برهه به طیف کارگر پرورشی نشان می دهد. از مجموعه ممانت "کار ارزانه، کارگر خاموش"

مراکز فروش کارگر امروز

انگلستان

Colfax International
129-131 Chiswick Cross Rd
London WC2H 9EQ

سوئد

Pressbyrin
Stockholm Central
Station, Store Hallen
Gatuplan

Bokhandeln Rida Rummet
Drottning gatan 100
111 60 Stockholm
Tel: 08-114210

International Press
Södergatan 20
203 12 Malmö

Rida Stjärnan
Vatadsgatan 15
214 24 Malmö
Tel: 040-820340

Spara Liner
Stororget 21
Malmö

I.F.R.
Davidshallsgatan 23
211 45 Malmö
Tel: 040-119230

Rida Stjärnan Bokhandel
Fjärde Långgatan 8 B
Göteborg

Sinfuullen Kungssportplatzen
Skollavend Delikatesser
Göteborg

Rida Rummet Bokhandel
Storgetan 15
Göteborg

فرانسه

کوسک

Wagiam
Ch. de Gueulle-Etoile
Paris

کوسک

George V
89 Ave Champs-Elysees
Paris

آلمان

Karl Winter OHG
Buchhandlung
Leipziger str. 20
Landesgerichts str. 20
Tel: 770223

Passage Lokal 14

U2 Station
Mehlhäuser str.
Zeitshilfenladen

Flehmarkt:
Jeden Samstag

دالمارک

Demos Butikken
Elmegade 27
2300 København

Zenbon-Verlag
Leipziger str. 24
8000 Frankfurt 90
Tel: 770223

Heinrich-Heine
Buchhandlung
Schlüter str. 1
2000 Hamburg 13

Buchladen
Oster str. 156
2000 Hamburg 20

Das Arabische Buch
Buchhandlung
Knebeck str. 18
D-1000 Berlin 12
Tel: 030-3138021

خبر امروز

اخبار کوتاه

فنلاند

اعتصاب کارگران بارانداز

اعتصاب ۳۵۰۰ کارگر بارانداز کشتی در بنادر فنلاند تجارت خارجی این کشور را مختل کرد. اعتصاب به فراخوان اتحادیه کارگران ترانسپورت فنلاند صورت گرفت. مذاکرات اتحادیه و کارفرماها بر سر دستمزد به نتیجه نرسید و در آخرین لحظات زمانی که کارفرماها بعنوان عکس العمل کار در بنادر را متوقف کردند، اعتصاب آغاز شد. رانندگان کامیون و اتوبوس‌های میان شهرها نیز در اعتصاب شرکت کردند.

آفریقا

اعتصاب سراسری برای افزایش دستمزد

۲۴ ژوئن، کارگران بخش خصوصی در جمهوری "بانگوی" واقع در آفریقای مرکزی برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب سراسری زدند. به گزارش خبرگزاری رویتر، اعتصاب به فراخوان اتحادیه‌های کارگری در بخش خصوصی صورت گرفت و مطالبه کارگران ۴۸ درصد افزایش دستمزد بود. در روز اعتصاب فروشگاهها، بانکها و رستورانها کاملاً تعطیل شدند و در خیابانها به سختی عبور و مرور و ترافیکی دیده می‌شد. در طول اعتصاب ارتش خیابانها را در کنترل داشت.

استرالیا

بیکاری ۳۶۰۰ کارگر هواپیمائی

"کانستاس" شرکت بین‌المللی هواپیمائی استرالیایی که متعلق به دولت استرالیا است تصمیر دارد که ۳۶۰۰ کارگر این شرکت را بیکار کند و از این طریق سالانه ۱۲۲ میلیون دلار صرفه جویی کند.

بریتانیا

پیروزی معدنچیان

پدنبال شکایت ۳۹ معدنچی اعتصابی، پلیس "یورکسای" ناچار به پرداخت ۵۰۰ هزار پوند غرامت شد. معدنچیان اعتصابی از رفتار پلیس با کارگرانی که در طی اعتصاب عظیم شان در سال ۱۹۸۴ در پیکت شرکت داشتند شکایت کردند و در این دعوا پیروز شدند.

بریتانیا

افزایش بیکاری

روز ۱۳ ژوئن، اداره کار بای بریتانیا اعلام کرد که تنها در ماه مه ۷۰۶۰۰ نفر به تعداد بیکاران بریتانیا افزوده شده است. هم اکنون ۲/۲۴ میلیون نفر در بریتانیا بیکار هستند. این بالاترین رقم بیکاری در بریتانیا از ژوئن سال ۱۹۸۸ است.

فرانسه

اعتصاب در فرودگاهها

روز ۲۴ ژوئن، کارکنان فرودگاهها مجدداً دست به اعتصاب یكروزه زدند و پرواز هواپیماها و ترافیک هوایی را در فرانسه مختل کردند.

به گزارش تایمز مالی، مطالبه در این سلسله از اعتصابات یكروزه که عمدتاً توسط کسانی که ترافیک هوایی را کنترل می‌کنند صورت می‌گیرد، استخدام پرسنل کافی متناسب با حجم روزافزون کار در فرودگاههاست. در روز اعتصاب ۸۰ درصد پروازهای هواپیمائی "ایرفرانس"، پرواز "بریتیش ایر ویز" به لندن، ۳۰ درصد پروازهای "لوفت آزا" به آلمان، و ۶۵ درصد پروازهای داخلی "ایر اینتر" تعطیل شد.

روحانی، بلکه بر اساس ساعت کار خورشیدی یعنی طلوع و غروب آفتاب بسر کار می‌آیند و برمی‌گردند - در تاریکی به سر کار می‌آیند و در تاریکی به خانه برمی‌گردند، "اگر خانه‌ای داشته باشند". و در یک سال قمری یک روز مرخصی ندارند یعنی بخش اعظم کارگران ایران در رشته کشاورزی، خدمات و صنعت بویژه صنایع کوچک و بخصوص صنایع سنتی با تکنولوژی دوران شاه عباس و نه بر اساس قوانین اجتماعی، بلکه بر پایه قانون طبیعت با آنها رفتار می‌شود. بهمین لحاظ در تابستان بدلیل طولانی بودن طلوع و غروب خورشید بخش بزرگی از کارگران در ایران حقوق بیشتری می‌گیرند و در زمستان حقوق کمتر - اینها "تقدیس" شرایط غیر انسانی نیست. اینها بیان رنج انسان است، اینها کوشش برای "قانونی" کردن بی قانونی و توحش نیست، اینها بیان واقعیات ناهنجار و دهشتناک طبقه کارگر است.

کسانی که در مقام طبیب حاذق کارگران، خود را قرار داده‌اند باید بدانند که بیمار او دردها و زخمهای فراوان دارد - بدون شناختن دقیق تمام دردها و زخمها و تقدم و تاخر قائل شدن برای معالجه آنها نمی‌توان نسخه دقیقی برایشان پیچید، یک طبیب خوب باید بداند که بدون برطرف کردن سوء تغذیه و شرایط روحی ناهنجار نمی‌توان زخم معده را خوب کرد. بدون قانونی کردن ۴۰ ساعت کار، تثبیت و برگشت ناپذیر کردن آن، بدون فراگیر کردن آن بگونه‌ای که لااقل ۵۰ درصد کارگران از آن بهره‌مند شوند، نمی‌توان وزنه سنگین ۳۵ ساعت کار در هفته را که یک مرحله کیفیتاً نوین در جنبش جهانی کارگری است و با انقلاب علمی و فنی در ارتباط است، بالای سر نگه‌داشت. برخلاف استنباط دوستان ناصر، مخالفت با شعار ۳۵ ساعت کار در شرایط امروز ایران، بمعنی مخالفت با "تقلیل ساعت کار" نیست، در مقاله "زنده باد واقع بینی" با صراحت و روشنی نوشته شده "شعار ۳۵ ساعت کار مساله روز کارگران ایران نیست" و اندیشه حاکم بر مقاله چنین درکی را ارائه نمی‌دهد که در واحدهای بزرگ و با ظرفیت نظیر شرکت نفت نمی‌توان شعار کاهش ساعت کار را بمیان کارگران برد.

اگر توازن قوا تعیین کننده است چرا در سال ۱۳۲۵ که هنوز قوای اتحاد شوروی در شمال ایران بود - در آذربایجان و کردستان حکومت جمهوری اعلام شده بود - تشکل های قدرتمند کارگری وجود داشت - ارتجاع حاکم در ضعیف ترین وضع ممکن و جنبش انقلابی در عالی ترین وضعیت قرار گرفته بود چرا بجای ۴۸ ساعت کار روی ۴۰ و یا ۳۵ ساعت کار تاکید نشد؟ حتماً نمی‌دانستند ۳۵ ساعت بهتر است؟ البته همین قانون کار که به دولت قوام تحمیل شد، چون ضامن اجرایی یعنی آزادی و تشکل های قدرتمند کارگری وجود نداشت، به ورق پاره‌ای تبدیل شد و بیش از چند دهه در مورد بخش اعظم کارگران ایران به مرحله اجرا درنیامد. در روسیه سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ بدلیل قیام گسترده توده‌ها قانون اساسی مترقی و قوانین کارگری پیشرفته در دوماً دولتی تصویب شد. اما بمجرد اینکه جنبش مردمی فروکش نمود، طبانیهای دار پرنس استولیپین که در تاریخ بنام "کراوات استولیپین" معروف است جایگزین دستاوردها شد.

پس مهم این نیست که از طریق توازن قوا در لحظه معین خواسته‌ای نظیر ۳۵ ساعت کار در هفته را بدلیل عقب نشینی تاکتیکی سرمایه داران برای تعدیل شرایط انقلابی بدست آورد. بلکه مهمتر و اساسی تر آنست که این دستاوردها را با اتکا به دموکراسی و توازن قوای دائمی برای همیشه حفظ نمود - در شرایط امروز ایران که میلیونها کارگر بدلیل ویرانه‌های ناشی از جنگ - کمبود ارز - سوء سرمایه گذاری بخش خصوصی، سوء مدیریت و کمبود تخصص و... بیکار هستند و هیچگونه تضمین شغلی وجود ندارد. از تشکل های کارگری خبری نیست، از حق اعتصاب بطور رسمی و قانونی محروم هستند. آزادی وجود ندارد، طرح این شعار جدی نظر نمی‌رسد، چرا که برای تسخیر و تثبیت چنین خاکریز مهمی، سنگرها و خاکریزهای فراوانی باید تسخیر و تثبیت شده باشند تا بتوان به این دژ یورش برد و آن را برگشت ناپذیر ساخت.

سال قمری و ساعت کار خورشیدی

خوش بینانه ترین ارقام و آمار در اوج رونق و شکوفائی اقتصادی در رژیم گذشته نشان می‌داد که شش میلیون کارگر در رسته‌های صنعت کشاورزی و خدمات مشغول کار بودند که تنها ششصد هزار نفر در واحدهای تولیدی بزرگ (بیش از ده کارگر) به کار اشتغال داشتند، واحدهایی که تمرکز کارگران در آنها از هزار نفر تجاوز می‌کرد نسبت به کل طبقه ۶ میلیونی کارگران ایران درصد باز هم کمتری را تشکیل می‌داد. (حدود ۵ درصد) - فی المثل شرکت ملی نفت ایران که بین ۹۳ تا ۹۸ درصد درآمد ارزی کشور و حدود ۷۵ الی ۸۰ درصد بودجه دولت را تامین می‌کرد تنها ۳۰ هزار (قیم درصد) کارگران ایران را در خود جای داده بود یعنی ارزش اضافی که هر کارگر شرکت نفت با استفاده از تکنولوژی پیشرفته بدلیل رشد ناموزون و مهارت فنی بالا و مدیریت و برنامه ریزی بر پایه استانداردهای پیشرفته بین المللی ایجاد می‌کرد نسبت به ارزش اضافی افزوده توسط واحدهای تولیدی دیگر قابل مقایسه نبود و یکی از سودآورترین شرکتهای جهان بود. در عین حال برخی از شرکتهای دولتی دیگر نظیر راه آهن نه تنها سودی بدست نمی‌آورد بلکه بدلیل ضررهای مکرر کسری بودجه آنها توسط درآمد ناشی از نفت تامین می‌شد.

بر اساس دلایل فوق و مبارزات کارگران شرکت نفت از اوایل سالهای ۱۳۵۰ ساعت کار به ۴۴ ساعت در هفته تقلیل یافت، اما از آن زمان تا کنون بیش از ۹۰ درصد کارگران ایران نه بر اساس ۴۰ ساعت کار در هفته مندرج در قانون کار "خسروانی" و نه امروز بر اساس ۴۴ ساعت کار مندرج در قانون کار اسلامی و

نامه به سردبیر

نامعایی که به قصد درج در این ستون ارسال می‌شوند باید:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- تایپ شده یا کاملاً خوانا باشند
- ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند
- ۴- کارگزاران در انتخاب و تلخیص نامعا آزاد است.

درباره مطالبه ۳۵ ساعت کار تاکید مجدد بر واقع بینی در پاسخ به مقاله (واقع بینی برای چه کسانی؟)

عمده است و باید در دستور روز قرار بگیرد؟

عین و ذهن

اگر چه دوست گرامی ناصر شعار "زنده باد ۳۵ ساعت کار" را بدلیل توازن قوا در شرایط فعلی عملی نمی‌داند و نسبت به آینده هم با تردید جدی به آن می‌نگرد و می‌نویسد "البته ممکن است این شرایط سال دیگر بوجود بیاید" و همانگونه که شیعیان نسبت به ظهور مهدی هر سال امیدوار و منتظرند اظهار می‌دارد که "باید نسبت به آن امیدوار بود"، اما هیچ تحلیل مشخص از اوضاع برای این امیدواری ارائه نمی‌دهد که چرا دانه امکان امسال (شعار ۳۵ ساعت) باید به درخت واقعیت سال آینده (تحقق شعار ۳۵ ساعت) فزا برود. هیچ تحلیل مشخصی از شرایط عینی و ذهنی ارائه نمی‌دهد که امیدوار شویم، توازن قوا که از نظر ایشان تعیین کننده‌ترین اصل برای تحقق شعار فوق الذکر می‌باشد ممکن است سال آینده بضع طبقه کارگر و بضرر سرمایه داران تغییر کند، (امیدواری انقلابی اگر با واقع بینی توأم نشود حتماً به سراب یاس فراخواهد روئید) ولی با کمال تعجب تمام مقاله ایشان در تائید شعار "زنده باد ۳۵ ساعت کار در هفته" است و با کمال تعجب مخالفت با آن از نظر ایشان "حتی نزول از سندیکالیسم رسمی هم نیست" بلکه شاید سقوط به دره خیانت باشد و "تقدیس" "اوضاع اسفناک و وحشیانه" مسلط بر محیط کار و کارگری است. یعنی بیان یک واقعیت از دیدگاه ایشان الزاماً تلاشی برای "قانونی" کردن آنست. از این اتهامات نادرست که بصورت غیر مستقیم به دوست کارگرمای یدالله زده شده است که اگر صبورانه بگذریم، باید گفت چون هنوز ایدالیسم نیستیم، عین را بر ذهن مقدم می‌دانیم. شرایط عینی را بر شرایط ذهنی مقدم می‌دانیم و بر تقدم نیروهای مولده بر مناسبات تولیدی تاکید داریم. همچنین تاثیر متقابل آنها را نسبت به هم از نظر دور نمی‌داریم. از این نظر معتقد هستم که تحقق این شعار برای سالهای آتی متصور بنظر نمی‌رسد، مگر سرمایه‌داری از آغاز قرن بیستم وارد مرحله امپریالیستی نشد؟ مگر دهه پنجاه، شصت و هفتاد قرن حاضر "وجود عینی و گسترده طبقه کارگر" که شرط لازم برای مبارزه و منجمله مبارزه برای تحقق شعار ۳۵ ساعت کار در هفته است در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود نداشت؟ مگر در اتحاد شوروی بیش از صد میلیون کارگر وجود نداشت؟ چرا در دهه اخیر از خواب بیدار شده و بفکر تحقق شعار ۳۵ ساعت کار در هفته درآمده‌اند. آیا در ایران امروز "وجود عینی" طبقه کارگر در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در کدام فاز قرار دارد؟ هر پدیده‌ای از مراحل تولد - جوانی - بلوغ و... می‌گذرد و در هر مرحله وظیفه معینی را انجام می‌دهد. طبقه کارگر ایران در کدام مرحله است؟

جوابی‌های به مقاله "زنده باد واقع بینی نوشته یدالله خسروشاهی، و با عنوان "واقع بینی برای چه کسانی؟" بقلم دوست عزیزمان ناصر یادگار در نشریه کارگر امروز شماره ۱۳ بچاپ رسید که از سردبیر محترم آن نشریه انتظار می‌رود جوابیه ذیل را هم در خصوص مطلب پیش گفته در چارچوب امکانات نشریه در همان حدود جوابیه، منعکس نمایند.

از نظر دوست عزیزمان مقاله "زنده باد واقع بینی"، دارای اشکالات عدیده و عمیق می‌باشد که به آنها پاسخ می‌دهند. قبل از هر چیز باید بگویم که نویسنده مقاله از یک طرف از موضوع اصلی یعنی "فراخوان" کارگری حول شعار "زنده باد ۳۵ ساعت کار در هفته" آنهم برای اول ماه مه ۱۹۹۱ گریز می‌زند و موضوع اصلی مقاله را فرعی جلوه می‌دهد - گرچه در انتهای مقاله همین موضوع اصلی مورد اختلاف را که ما هم با ایشان هم نظر هستیم نادرست ارزیابی نموده و خیلی ملایم و دوستانه رد می‌کند. "در شرایط فعلی با توجه به توازن قوا که فکر می‌کنم برای همگی مان روشن است، شعار ۳۵ ساعت کار یک شعار عملی برای جنبش کارگری ایران نیست"، که البته از واقع بینی بالنسبه ایشان باید تشکر نمود، گرچه خود واقعیت، یعنی اول ماه مه ۱۹۹۱ پاسخ خود را بدوست عزیز نگارنده داده است. اما در سرتاسر مقاله از زاویه توازن قوا بدفاع از شعار ۳۵ ساعت کار در هفته پرداخته و در مقاله "زنده باد واقع بینی"، "اشکالات عدیده و عمیق" دیده و به تنقید آن پرداخته است.

عمده و غیر عمده

تحریف سخنان دیگران و نسبت دادن نظریه‌های نادرست و برجسته کردن آن، بدون آنکه گوینده و یا نویسنده چنین مقصودی داشته باشد - کاری خردمندانه نیست، توجه کردن به یک مساله مانند محیط زیست با عمده و یا مطلق کردن آن و حزب محیط زیست شدن - فرقی اساسی دارد. اگر حزب محیط زیست در ایران بوجود بیاید من عضو آن نخواهم شد و این به معنی مخالفت با آن نیست. دوست عزیز ناصر یادگار، بگونه‌ای برخورد کرده که گویا نویسنده مقاله "زنده باد واقع بینی" جزو مخالفین محیط زیست است، ایشان حق دارند هر روز مطلب در مورد آلودگی هوای تهران بنویسند و یدالله خسروشاهی هم حق دارد در مورد وضع فلاکت بار میلیونها انسان (کارگر و حقتان ...) که در ایران از ابتدایی ترین حقوق فردی و اجتماعی محروم هستند، هر روز مطلب بنویسد. تشخیص اینکه در شرایط امروز ایران کدام عمده و مساله اساسی مردم است، به چه کسانی باید واگذار شود؟ آیا باران سیاه عمده است یا مساله آوارگان کرد. ایران یکی از کشورهای است که دارای کمترین فضای سبز در جهان می‌باشد. در عین حال، رژیم حاکم بر ایران در بالاترین سکوی اعداد کنندگان جهان قرار دارد. کدام

کارگران فلز آلمان علیه رهبری اتحادیه

مرکز خبری کارگر امروز: در هفته اول ماه ژوئن، اتحادیه فلز آلمان صدمین سال تاسیس خود را جشن گرفت. در این جشن به جز اعضا و فعالیت اتحادیه برخی از شخصیت های سیاسی جهان نیز شرکت داشتند. از "هلموت کهل" رئیس هیئت حاکمه آلمان نیز دعوت شده بود که این امر در طول فعالیت اتحادیه بی سابقه بوده است. به گزارش پروین ثقفی خبرنگار کارگر امروز در آلمان، در اعتراض به نحوه برگزاری بزرگداشت صدمین سال اتحادیه، جمعیتی در محل جشن اجتماع کردند و در میان کنترل و محاصره شدید پلیس رهبری اتحادیه را به باد انتقاد گرفتند. آنها رهبری را که بجای تضعیف دولت ضد کارگری

هلموت کهل و تلاش برای برکناری این دولت قصد تقویت آنرا دارد محکوم کردند. آنها فریاد می زدند دولت، دولت صاحبان سرمایه است و کسائیکه در این مراسم رسمی دعوت شده اند ربطی به کارگران و جشن کارگری ندارند. تعداد زیادی از این جمعیت معترض را اعضا و فعالین اتحادیهها و شوراهای کارخانه تشکیل می دادند که به نشانه اعتراض در تمام طول مراسم در جلوی محل جشن ضمن افشای سیاست های دولت کهل، جهت گیری اتحادیه را نیز محکوم کردند. در خاتمه آکسیون، کارگران معترض اعلام کردند که مانع اینگونه جهت گیریهای اتحادیه خواهند شد. اتحادیه فلز با ۳/۶ میلیون عضو بزرگترین اتحادیه جهان است. □

ترکیه، راهپیمایی اعتراضی دهها هزار کارگر

بیش از ۵۰۰ هزار کارگر صنایع جنوب گفت که در روزهای آینده جلسات و گردهمایی هایی برگزار خواهند کرد و سپس به یک سلسه اعتصابات دست خواهند زد. او ضمن حمله به دولت بر سر اینکه گویا اخراج کارگران با موافقت اتحادیه بوده است گفت: "این یک ادعای پوچ و دروغ محض است و ما آنرا رو خواهیم کرد. رئیس جمهور با گفتن اینکه من ثروت را دوست دارم انتخابش را کرده است و نمی تواند دوست اتحادیه و کارگران باشد" او در ادامه اخراج کارگران را محکوم کرد. سخنان

رهبری اتحادیه با تشویق مکرر کارگران روبرو شد. در این میتینگ پلیس به تعدادی از کارگران که شعارهای رادیکال می دادند حمله کرد و بیش از پانصد نفر را برای بازجویی به اتوبوسهای پلیس برد. از داخل اتوبوس کارگران علیه دولت شعار می دادند. تا ساعت ها پس از تظاهرات پلیس خیابانهای شهر را محاصره کرده بود و عابری را کنترل می کرد. " فان - صلح - آزادی"، " رادیو تلویزیون مال سرمایه دار، میدان مال کارگر" از جمله شعارهای این تظاهرات بود. □

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲ ژوئن، دهها هزار کارگر ترکیه به فراخوان اتحادیه "تورک - ایش" در اعتراض به اخراج و بیکارسازی کارگران در شهر "بورسا" دست به راهپیمایی زدند. به گزارش سلمان کاشی خبرنگار کارگر امروز از ترکیه، کارگران پس از راهپیمایی در میدان "فومارا" تجمع کردند. در این میتینگ که بیش از ۶۰ هزار کارگر شرکت داشتند "شوکت یلاماز" رهبر اتحادیه سخنرانی کرد. او در مورد اتمام قرارداد



صحنه‌ای از راهپیمایی کارگران ترکیه در شهر بورسا

قرارداد جدید کارگران فلز و چاپ آلمان

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به توافقات نمایندگان اتحادیه فلز و کارفرماها در روز ۵ مه، از اول ژوئیه امسال ۶/۷ درصد به دستمزد کارگران افزوده خواهد شد. به گزارش "بیژن بهزادی"، در این دور مذاکرات که از ۲۹ آوریل با اعتصابات اختطاری کارگران همراهی می شد اتحادیه فلزکاران آلمان با مطالبه ۱۰ درصد و کارفرماها با آلترناتیو ۴ درصد افزایش دستمزد در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. طبق قرارداد جدید که مدت اعتبار آن یکسال است به مزد کارآموزان در صنایع فلز ماهانه ۱۱۰ مارک افزوده خواهد شد. در کنفرانس مطبوعاتی که بعد از اتمام جلسه مذاکرات برگزار شد طرفین عدم رضایت خود را از

نتیجه مذاکرات ابراز داشتند و آن را یک سازش اجباری نامیدند. طبق قرارداد قدیم، مزد کارگران صنایع فلز در شرق آلمان می بایست بهرور به سطح ۷۱ درصد مزد همکارانشان در غرب آلمان افزایش یابد. در حالیکه اتحادیه کارگران صنایع چاپ خواهان ۱۱ درصد افزایش دستمزد کارگران این صنایع در غرب آلمان بود، کارفرماها در ابتدا پیشنهاد ۴/۹ درصد و سپس ۶/۷ درصد افزایش دستمزد را مطرح می کردند. این دور مذاکرات که با اعتصابات اختطاری کارگران همراه بود سرانجام در روز ۱۰ مه با میانجیگری رئیس دادگاه امور اجتماعی فدرال به نتیجه رسید و قرار شد که از ماه آوریل امسال ۷ درصد به دستمزد کارگران افزوده شود. □

مرگ ناشی از کار در کانادا

کارگران کانادا در معرض مرگ قرار دارند. سوانح کار و بیماریهای ناشی از کار کارگران را به کام مرگ می برد و بسیاری را مجروح و علیل باقی می گذارد. در سال گذشته در ایالت اونتاریو ۳۰۰ کارگر بر اثر کار کشته شدند، نیم میلیون کارگر مجروح شدند و هزاران کارگر بدلیل بیماریهای ناشی از کار مردند. جهت برسمیت شناسی این تلفات فجمیع "کنگره کارگران کانادا" روز ۲۸ آوریل را "روز سوگواری" ملی اعلام کرده است. □

پافشاری فعالین کارگری دولت را وادار کرد تا این روز را برسمیت بشناسند. هدف "کنگره کارگران کانادا" تحمیل ایمنی و بهداشت در محیط کار و تامین سلامتی کارگران است. تا آنزمان کنگره تلاش می کند تا اینروز توسط تمام سطوح دولت برسمیت شناخته شود. در تورنتو، هر سال در ۲۸ آوریل در گرامیداشت کارگران مراسمی برگزار می شود و امسال ۵۰۰ نفر در این مراسم شرکت کردند. □

اعتصاب کارگران فولاد در هلند

مرکز خبری کارگر امروز: از روز ۱۳ آوریل سال جاری، کارگران کنسرن فولاد "هوگوونس" اعتصابات اختطاری شان را برای افزایش دستمزد آغاز کرده اند. به گزارش "بیژن بهزادی"، خبرنگار کارگر امروز، در این کنسرن که ۱۶ هزار کارگر شاغل هستند، در ابتدا فقط اعتصابات اختطاری صورت می گرفت اما در روز ۲۴ آوریل مجموعه کارکنان کار را بمدت ۲۴ ساعت تعطیل کردند. اتحادیه کارگران فولاد خواهان ۳/۷۵ درصد افزایش دستمزد است و کارفرما حاضر نیست که با بیش از ۳/۲۵ درصد افزایش دستمزد موافقت کند. از سوی دیگر ۲۵۰۰ کارگر این کنسرن در معرض بیکارسازی قرار دارند زیرا کنسرن مزبور که تا سال ۹۵ یکی از بزرگترین تولیدکنندگان فولاد در اروپا خواهد بود، درصدد است تا با کاهش نیروی کار و تغییر سبک تولید هزینه تولید فولاد را به حداقل برساند.

این گزارش حاکی است که روز ۳۰ آوریل، کارگران صنایع فولاد از ۳۴ کشور در بروکسل گردهم آمدند و در مورد بحران صنایع فولاد در عرصه جهانی به تبادل نظر پرداختند. در طی ۱۵ سال گذشته صنایع فولاد در کشورهای صنعتی غرب بیش از یک میلیون مکان اشتغال از دست داده است. در حالیکه در کشورهای در حال توسعه ۸۷۰ هزار مکان اشتغال در صنایع فولاد بوجود آمده است. □

قرارداد جدید کارگران نفت دریای شمال

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۳ ژوئن، کارگران نفت دریای شمال به برسمیت شناسی اتحادیه از سوی مدیریت و همچنین قرارداد جدیدی بر سر دستمزد و شرایط کار دست یافتند. به گزارش تایمزمالی، این قرارداد بدنبال اعتصابات وسیع کارگران نفت در سال گذشته و مذاکرات پی در پی از دسامبر بدست آمد. در طی مذاکرات اتحادیهها خواهان یک قرارداد برای تمام کارگران بودند اما قرارداد جدید تنها شامل کار در

مرحله اتصالات می شود و مرحله بعدی یعنی کار پس از تولید و جاری شدن نفت و گاز را در بر نمی گیرد. بنا به توافقات جدید کارگران بخش اتصالات ۲۸۴۵۰ پوند در سال درآمد خواهند داشت که این میزان ۳ هزار پوند بیشتر از درآمد کارگرانی است که پس از مرحله اتصالات کار را ادامه می دهند. کارگران بخش اتصالات از بالاترین سطح دستمزد در میان کارگران نفت دریای شمال برخوردار هستند. □

اعتصاب ۳۵۰ هزار کارگر در آلبانی

مرکز خبری کارگر امروز: در اوائل ماه مه ۴۵۰۰ معدنچی معادن کروم آلبانی برای بهبود شرایط کار و زیست دست به اعتصاب زدند. اعتصاب معدنچیان بسرعت سراسری شد و در اواسط ماه مه، ۳۵۰ هزار کارگر آلبانی دست به اعتصاب سراسری زدند. به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیته"،

روز ۲۹ مه در گردهمایی که در تیرانا و در پشتیبانی از معدنچیان اعتصابی و ۱۰۰ کارگری که در معدن دست به اعتصاب غذا زده بودند برگزار شد، پلیس به کارگران حمله کرد و آنها نیز با پرتاب سنگ به مقابله پرداختند. در طی این درگیری تعدادی مجروح شدند. بیش از ۱۰ هزار نفر در این گردهمایی شرکت کردند. □

اعتصاب رفتگران لیورپول در انگلستان

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۴ ژوئن، شهرداری لیورپول به رفتگران اعتصابی هشدار داد تا در صورتیکه زباله های شهر را جمع نکنند با یک کمپانی خصوصی قرارداد خواهد بست. به گزارش تایمزمالی، بر اثر اعتصاب کارگران هزاران تن زباله در شهر جمع شده است. روز ۲۴ ژوئن کارگران پذیرفتند که با مدیریت مذاکره کنند. □

به گفته اتحادیه کارگران مدیریت پیشنهاد ۷۵ تا ۱۰۰ پوند افزایش حقوق را داده است در صورتیکه کارگران خواهان افزایشی معادل ۴ برابر پیشنهاد مدیریت هستند. یکی دیگر از دلایل اعتصاب کارگران طرح شهرداری از بین بردن ۱۰۰۰ شغل است. کارگران گورکن نیز تهدید کرده اند که در پشتیبانی از رفتگران و همچنین در اعتراض به بیکارسازیها دست به اعتصاب خواهند زد. □

دولت چین موج تازه ای از . . .

انتشار داد و مرا بخاطر "ارتکاب به خیانت بزرگ به حزب" محکوم کرد. زیرا فراخوان این کمیسیون تحقیق را به منظور افشا ستمی که به کارگران چین روا می شود من داده بودم. برای اینکه می باید خانواده های جان باختگان تامین مالی شوند، زخمیان و معلولین معالجه شوند، زندانیان سیاسی آزاد شوند، رژیم دیکتاتوری نباید در منزوی کردن کارگران چین موفق شود، و اتحاد سازمانهای کارگری چین و جهان باید تقویت شود. ۱۳۰ میلیون کارگر چینی تا سال ۸۹ قادر نبودند که مطالباتشان را از طریق سازمانهای مستقل شان بیان کنند. اولین تجربه ایجاد یک سازمان مستقل از زمان تاسیس جمهوری خلق تاکنون به ماه مه ۱۹۸۹ در میدان "تین آن من" باز می گردد. این سازمان به این ترتیب بوجود آمد و دولت چین از نیروی واقعی طبقه کارگر این کشور و از خطر آن برای موجودیت خود آگاه شد. حال که دولت چین مانع ورود کمیسیون بین المللی تحقیق به این

کشور می شود من از شما کارگران جهان دعوت می کنم که به پیشنهاد این کمیسیون مبنی بر تشکیل یک میتینگ جهانی کارگری در هنگ کنگ جواب مثبت بدهید. دامنه تاریخی چنین میتینگی تنها به آزادی زندانیان سیاسی و مقابله با سرکوب محدود نمی شود، بلکه بر همراهی و همگامی آینده کارگران چین و جهان تاثیر عمیقی خواهد داشت. اهمیت دیگر این میتینگ محل برگزاری آنست زیرا هنگ کنگ محل تماس و عبور میلیونها چینی و نزدیک به دروازه های چین است، دولت چین هرگز نخواهد توانست از بخش اخبار مربوط به آن در این کشور جلوگیری کند. □

زنده باد همبستگی جهانی ژانویه ۱۹۹۱

این فراخوان تاکنون توسط اتحادیه های کارگری و انسائلهای شریف و آزادیخواه در ۳۴ کشور پاسخ مثبت گرفته است. □

گفتگو با آندره بالده درباره

اعتصاب سراسری کارگران راه آهن فرانسه

کارگران امروز

آکسیون شوند. کارگران نسبت به وحدت عملی سندیکاها خیلی حساس هستند. یکی از علل قدرت این اعتصاب اتحاد عملی سندیکاها مختلف بود. مسلماً هنوز این اتحاد کامل نیست و در این زمینه باید کار شود.

ک.ا: نحوه شرکت کارگران مهاجر در این اعتصاب و روابطشان با کارگران فرانسوی چه بود؟



آندره بالده

ک.ا: در "شرکت ملی خطوط آهن" کارگران مهاجر زیادی وجود ندارد. ولی در بخش نگهداری و نظافت پنگاه کارگران مهاجری که در استخدام شرکتها خصوصی کار کنتراتی می کنند، زیاد هستند. راسیسم حضور خیلی نیرومندی دارد و در جریان جنگ خلیج هم شاهد آن بودیم. حدود ۲ ماه پیش کارگران مهاجر بخش ما اعتصاب کردند که ۲۶ روز طول کشید و کارگران فرانسوی هم همسنگی کاملی با آنها نشان دادند. بین آنها ترک، اسپانیولی، پرتغالی، هندی و... بود. ما یک اعتصاب یکساعته بعنوان همسنگی با آنها انجام دادیم و کمک مالی هم برایشان جمع کردیم. برای کاستی که بر ما حکومت می کند فرانسوی و خارجی وجود ندارد. همه ما در یک وضعیت هستیم. بهر حال به خاطر راسیسم شدیدی که وجود دارد با این جدایی و تفرقه دست بگریبانیم.

واقع استارت این جنبش را همین حمله به سیستم بازنشستگی زد و مساله طبقه بندی دستمزدها بدنبال آن آمد. علاوه بر این دو نکته، کارگران خواستی هم در رابطه با حداقل دستمزد در زمان استخدام داشتند. در حال حاضر این مزد قبل از کسریهای مختلف کمتر از ۵ هزار فرانک است و خواست ما رساندن آن به ۷ هزار فرانک بود که فعلاً معادل ۶ هزار فرانک در زمان استخدام شد.

ک.ا: در مقایسه با اعتصاب بزرگ مترو و راه آهن در چند روز آخر سال ۸۶ و اولین روزهای ۸۷ بنظر می رسد که علیرغم بیشتر بودن ناراضیها، دامنه و طول زمانی اعتصاب کمتر بود. چرا؟

ک.ا: آن جنبش تا حدودی متفاوت بود و طبقه بندی دستمزدها آن عکسالعمل را به بار آورد. اما امسال در این زمینه خیلی سریع عقب نشینتند. در مورد بازنشستگی عکسالعمل خیلی شدیدتر و گسترده تر بود.

ک.ا: گستردگی شرکت کارگران در اعتصاب چقدر بود؟

ک.ا: در منطقه ما که ۷ هزار کارگر راه آهن وجود دارد ۶۰ درصد در اعتصاب شرکت کردند. در بخشی که من کار می کنم به ۸۰ درصد رسید. از سال ۱۹۷۹ که در این ناحیه شروع به کار کرده ام اعتصابی با این گستردگی ندیده بودم.

ک.ا: آیا بین سندیکاها مختلف اتحاد عملی وجود داشت؟

ک.ا: مساله اتحاد عمل امروز بسیار مهم است. "ث.ژت" همیشه بر اتحاد عمل تاکید می کند و این باعث شده که توده های کارگر به سندیکاها دیگر فشار بیاورند و در مواردی آنها ناچار به شرکت در

کارگزاران: دلایل و دستاوردهای اعتصابات مترو و راه آهن در ماه مه چه بود؟

آندره بالده: زندگی کارگران راه آهن بسیار مشکل شده و قدرت خرید آنان از سال ۸۲ تا کنون ۱۶ درصد کاهش یافته است. دستمزدها واقعا کفاف هیچ چیز را نمی دهد. طبقه بندی دستمزدها هم که توسط مدیریت شرکت ملی خطوط آهن ارائه شد مثلاً سابقه کار را در نظر نمی گرفت. شرایط کار و آینده کارگران و بنگاه نیز کلاً ناراضی را در میان کارگران راه آهن شکل داده اند. در این موقعیت اعلام حمله دولت به سیستم بازنشستگی مثل قطره آبی بود که ظرف را لبریز کند. بازنشستگی نقطه حساسی است که نباید دست بخورد.

ک.ا: لطفاً بیشتر در مورد طبقه بندی و بازنشستگی توضیح بدهید؟

ک.ا: طبقه بندی دستمزدها کلاً بر اساس شاخصهای مختلف تعیین می شود. مدیریت خواهان حذف فاکتورهایی مثل سابقه و صلاحیت کار و تخصص و جایگزینی آن با شاخصهایی مثل خوب کار کردن، تابع سیاست مدیریت بودن و امثالهم بود. بدین ترتیب درجه بندیها کاملاً انتخابی می شد. فعلاً بدنبال اعتراضات کارگری ماه مه و با ترسی که مدیریت از نیروی اعتصابی مثل ۸۷ - ۸۶ دارد شاخصهایی مثل سابقه کار نیز در نظر گرفته می شود.

ک.ا: اخیراً نخست وزیر (سابق) کتابی در مورد سیستم بازنشستگی نوشته بود و سن بازنشستگی کارگران ثابت راه آهن (آنهايي که در کاراژ و انبار کار می کنند) را که ۵۵ سال بود و همچنین سن بازنشستگی کارگران متحرک (راننده قطار) را که ۵۰ سال بود را زیر سؤال برده است. در

دریافت کرده ام و فقط چند صفحه اش را خواندم. تا آنجائیکه به ضعفهای در تشکیلات و کارکرد سندیکا اشاره می کند موافقم. بجز از این چیزهایی در رسانه ها شنیده ام که به آنها اعتماد نمی کنم! باید گزارش را بخوانم تا بتوانم نظر بدهم. بطور کلی من فکر می کنم که نقایصی در "ث.ژت" وجود دارد. اما قطعاً در خطر و در آستانه مرگ نیستیم!

ک.ا: در جنبش کارگری آلمان خواست ۳۵ ساعت کار وسیعاً مطرح است. چرا جنبش کارگری فرانسه که سنتهای مبارزاتی نیرومندی دارد این خواست را مطرح نمی کند؟

ک.ا: در حال حاضر بعضی کارگران شیفی ۳۵ ساعت در هفته کار می کنند اما مجموع کارگران فرانسه این وضعیت را ندارند. ما کوشیدیم بعد از سال ۸۱ (انتخاب شدن میتران - تشکیل کابینه سوسیالیست - کمونیست) یک جنبش ۳۵ ساعت کار به راه بیندازیم. اما کارگران عکسالعمل مساعد نشان ندادند. شاید فکر می کردند که طرح ۳۵ ساعت کار با همان دستمزد، که ما مطرح می کردیم، اتوبیک است.

ک.ا: در مورد جنگ خلیج چه می گویی؟

ک.ا: ما برای صلح همیشه مبارزه کرده ایم. صلح و خوشبختی کارگران خواست اصلی ماست. "ث.ژت" علیه تمام جنگهاست و در رابطه با جنگ خلیج از بالا تا پایین و بطور گسترده بسیج شدیم. هر چه در توان داشتیم برای جلوگیری از جنگ و بعد از شروع آن برای خاتمه اش انجام دادیم. تجمعات و تظاهرات خوبی داشتیم. بعد از شروع جنگ سوء تفاهاتی در کارگران نسبت به موضع ما بوجود آمد. فکر می کردند طرفدار صدام حسین هستیم. در حالیکه واضح است که صدام حسین یک دیکتاتور است و قصاب کارگران عراق بوده است.

ک.ا: در اولین روزهای جنگ صبح و ظهر و شب جلسه و تجمع داشتیم اما خیلی زود متوجه شدیم که در عین حال نباید عرصه مبارزات مطالباتی کارگران در فرانسه را رها کنیم. اینرا هم بگویم که راسیسم وحشتناک و حیرت آوری بوجود آمد. ما باید اینرا که ایده های لوین (رهبر راست افراطی فرانسه) در توده کارگران نفوذ کرده است در نظر بگیریم.

ک.ا: در مورد بازار واحد اروپا چه می گویی؟ نتایج این تغییر و تحولات بر زندگی کارگران چیست؟

ک.ا: اگر اروپای کارگری باشد و بهروزی کارگران را در نظر بگیرد من مخالف نیستم. اما این نیست که در حال عملی شدن است. در مورد شبکه راه آهن کشوری و اضمحلال آن قبلاً گفتیم. مدیریت شرکت ملی خطوط راه آهن یکسال پیش نوشته ای داد و تمام دستاوردهای کارگری و کل شبکه کشوری راه آهن را زیر سؤال برد. وی می گفت وضع کارگران راه آهن فرانسه بهتر از جاهای دیگر اروپاست. مسلماً در اروپای واحد وضع را به پائین ترین سطح، مثلاً مشابه پرتغال، می کشند.

ک.ا: مسلماً خواست کارفرماها و دولت اینست. اما آیا این فرصتی هم برای نزدیکی و وحدت کارگران کشورهای مختلف فراهم نمی کند که بتوانند بطور واقعی تبدیل به نیرویی بشوند که می توانند؟

ک.ا: سؤال خوبی است! در آخرین کنفرانس فدرال کارگران راه آهن در سال گذشته ما یک جلسه بین المللی داشتیم و تمام سندیکاها کشورهای اروپایی را هم دعوت کرده بودیم. کوشیدیم در این زمینه به چیزهایی برسیم. در آکسیون در رابطه با نمایندگان چپ پارلمان اروپا تنها "ث.ژت" فرانسه شرکت داشت. اما نباید ناامید بشویم! در همان کنفرانس سال پیش بهر حال نقاط حرکتی با پرتغال، اسپانیا، آلمان، و حتی انگلیس ایجاد شد. با ایتالیا نتوانستیم، چون رفرمیسم نفوذ زیادی دارد. تمام کارگران اروپا باید برای خواستهایی که اروپایی خواهند بود متحد شوند.

ک.ا: آیا آکسیونهای دیگری در چشم اندازتان هست؟

ک.ا: نکاتی از طرح طبقه بندی دستمزدها باید عوض شود. در زمینه دستمزدها هم بطور کلی خواستهایی داریم: مثلاً کماکان خواهان دستمزدی معادل حداقل ۷ هزار فرانک در زمان استخدام هستیم. برای بازنشستگان هم خواست ما حقوقی حداقل برابر همین مقدار یعنی ۷ هزار فرانک است. چون میزان حقوق بازنشستگی در حال حاضر بسیار کمتر است. علاوه مساله پروژه اروپا هم هست. قرار است که شبکه های کشوری راه آهن بنفع شبکه اروپایی و قطارهای سریع کنار رود. قطارهای فعلی به مناطق واگذار می شود ولی واضح است که بعزت ضعف مالی آنها، شبکه محلی هم مضر خواهد شد.

ک.ا: ناراضیها در تمام بخشهای کارگران فرانسه عمیق است. اعتراض و اعتصاب پراکنده هم خیلی زیاد است. اما دستاوردها و نتایج قابل ملاحظه نیست و درخور قدرت جنبش به نظر نمی آید. راه حل و الگوتایو برای وحدت این بخشها و اعمال یک فشار نیرومند بر دولت و کارفرماها برای تحمیل خواستهایی در زمینه دستمزد، بازنشستگی، تامین اجتماعی و غیره چیست؟

ک.ا: به عمق مساله دست گذاشتی. در آخرین دوره نخست وزیری "میشل روکار" از سال ۸۸ تا امروز، مبارزه زیاد بوده ولی نتایج بسیار کم بوده اند. کارگری که ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ روز در اعتصابی شرکت می کند و از خواسته های فقط به خرده ریزها می رسد ناامید می شود. حتی اگر به خواسته های کوچکی هم برسیم تضمینی برای حفظ آنها نیست. یک مساله مهم نیروی سندیکاست. "ث.ژت" که یک سندیکای طبقاتی - توده ای است از هر طرف مورد حمله قرار می گیرد. نسبت به چند سال پیش ضعیفتر شده ایم و در میان کارگران سندیکا زدایی شده است. در کارخانها برای پیشبرد فعالیتهای سندیکایی مشکل داریم و نمی توانیم موتور حرکت و اتحاد باشیم.

ک.ا: یکی دو روز پیش "هانری کرازوکی"، دبیر کل "ث.ژت" از اشکالات "ث.ژت" صحبت کرد، نظرت چیست؟

ک.ا: گزارش وی را دیشب مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۸ ژوئن، بیش از ۱۰ هزار کارگر بخش مهندسی در بوخارست بر علیه دولت دست به تظاهرات زدند. به گزارش تایمزمالی، در این تظاهرات که یکی از بزرگترین تظاهرات های کارگری علیه دولت بود کارگران خواهان افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم، اخراج مدیران بی صلاحیت، کاهش قیمت ها، تامین مواد ضروری، و مذاکرات مستقیم با دولت شدند. تظاهرات توسط اتحادیه مستقل کارگران رومانی سازماندهی شده بود و اتحادیه فراخوان اعتصاب را از روز ۲۰ ژوئن صادر کرد.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: رادیو دولتی رومانی روز ۱۸ ژوئن اعلام کرد که "پیتر رومن" نخست وزیر این کشور سقرش را به فرانسه به تعویق انداخت و اعلام کرد که حاضر به مذاکره با کارگران است.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: رادیو دولتی رومانی روز ۱۸ ژوئن اعلام کرد که "پیتر رومن" نخست وزیر این کشور سقرش را به فرانسه به تعویق انداخت و اعلام کرد که حاضر به مذاکره با کارگران است.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: رادیو دولتی رومانی روز ۱۸ ژوئن اعلام کرد که "پیتر رومن" نخست وزیر این کشور سقرش را به فرانسه به تعویق انداخت و اعلام کرد که حاضر به مذاکره با کارگران است.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

ک.ا: گزارش شما در مورد کارگران رومانی نیز که زمانی از حامیان قدرتمند دولت بودند اعلام کردید که در روز ۲۰ ژوئن دست به تظاهرات خواهند زد. در روز ۱۷ ژوئن کارگران راه آهن در پشتیبانی از کارگران صنعتی و با مطالباتی مشابه دست به اعتصاب زدند. معلوم و پرسنل بیمارستانها نیز همگام با کارگران برای تحت فشار گذاشتن دولت اعتصاب کردند.

اوج گیری اعتصابات کارگری در رومانی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۸ ژوئن، بیش از ۱۰ هزار کارگر بخش مهندسی در بوخارست بر علیه دولت دست به تظاهرات زدند. به گزارش تایمزمالی، در این تظاهرات که یکی از بزرگترین تظاهرات های کارگری علیه دولت بود کارگران خواهان افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم، اخراج مدیران بی صلاحیت، کاهش قیمت ها، تامین مواد ضروری، و مذاکرات مستقیم با دولت شدند. تظاهرات توسط اتحادیه مستقل کارگران رومانی سازماندهی شده بود و اتحادیه فراخوان اعتصاب را از روز ۲۰ ژوئن صادر کرد.

اعتصاب ۲۵۰ هزار کارگر فلزکار استرالیا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۳ ژوئن، ۲۵۰ هزار کارگر فلزکار برای افزایش دستمزد و افزایش حق بارآوری تولید دست به اعتصاب سراسری زدند. به گزارش تایمز مالی، کارگران شاغل در ۲۵۰۰ کمپانی فلز به همراه معدنیان صنایع سنگ آهن استرالیا، کارگران برق و همچنین بخشی از کارگران خدمات در اعتصاب شرکت کردند. مطالبه کارگران فلزکار افزایش دستمزد ۱۲ دلار استرالیا در هفته و همچنین افزایش حق بارآوری تولید بود.

بریتانیا «واقع بینی» رهبران اتحادیه کارگران فورد

دستمزد کارگران در دیگر صنایع ماشین سازی قرار می گیرد. اتحادیه های کارگران فورد در مقابل این "واقع بینی"، خواهان امنیت شغلی هستند. از دیگر مواد مذاکرات افزایش حقوق بازنشستگی و همچنین کاهش ساعت کار است که هم اکنون ۳۹ ساعت در هفته است. رهبران اتحادیه نگران بیکارسازی کارگران فورد در بریتانیا هستند اما کمپانی اعلام کرد که در حال حاضر قصد کاهش نیروی کار در بریتانیا را ندارد. در سال جاری ۹۸۰ کارگر فورد در بریتانیا بیکار شدند.

پیروزی کارگران «آمپکس توشیبا» در ژاپن

وسیله اندازه گیری اشعاع رادیو اکتیو است که در اختیار قربانیان زنده چرنوبیل قرار می گیرد. سرانجام در ماه دسامبر سال ۹۰، مدیریت توشیبا اعلام کرد که حاضر است تمام مزدهای عقب افتاده هشت سال گذشته کارگران را علاوه مالی جهت بازخرید کارگران بیکار شده اند، بپردازد. در مقابل کارگران پذیرفتند که کارخانه را تخلیه کنند. کنسرن توشیبا به کارگران قول داده است که تا زمانیکه کارگران کارخانه دیگری را برای ادامه تولیدات اجتماعاً مفید خود نیابند از تخلیه کارخانه "آمپکس" صرف نظر خواهد کرد.

مرکز خبری کارگر امروز:

۱۲ ژوئن، رهبران اتحادیه که ۳۲ هزار کارگر را در کمپانی اتومبیل سازی فورد نمایندگی می کنند اعلام کردند که امسال در مذاکرات بر سر دستمزد بدلیل مشکلات کمپانی "واقع بین تر" خواهند بود. به گزارش تایمزمالی، اتحادیه ها اعلام کردند که در دور جدید مذاکرات که در ماه اکتبر آغاز می شود افزایش دستمزدی را در حد نرخ تورم مطالبه خواهند کرد. توافقات فورد بر سر دستمزد سنتا مبنای حد افزایش

مرکز خبری کارگر امروز:

کارگران کارخانه "آمپکس توشیبا" که متعلق به کنسرن عظیم توشیبا است پس از ۸ سال مبارزه پیروز شدند. به گزارش "بیژن بهزادی"، در سال ۱۹۸۲ که کنسرن توشیبا قصد داشت این کارخانه را تعطیل کند، ۵۸ کارگر از ۳۷۰ پرسنل این کارخانه برای جلوگیری از بیکار شدن کارگران کارخانه را به اشغال خود درآوردند و تولید را ادامه دادند. کار عظیم کارگران و پافشاری آنها برای ادامه تولید محصولات که به نفع جامعه است از حمایت وسیع در سراسر ژاپن برخوردار شد. یکی از این محصولات

کارگاه امروز

کشتار فعالین اتحادیه‌ای در برزیل

می بریم برای اینست که متشکل شویم تا از منافع خودمان بهتر دفاع کنیم. ما از سال ۱۹۷۵ برای ایجاد یک اتحادیه مستقل می جنگیم. این نبرد در شرایط بسیار سختی صورت می گیرد. مثلا برای برگزاری یک مجمع عمومی باید ۶ ماه تدارک دید تا بتوان ۱۰۰ نفر را در آن جمع کرد. اتحادیه‌ای که من به آن تعلق دارم ۵۰۰ نفر را در بر می گیرد. غالبا ۴ تا ۵ روز پیاده روی لازمست تا بتوان به محل مجمع عمومی رسید. ما در اتحادیه سرفه‌های دوره‌ای نمایندگان را سازمان می دهیم. این سرفه‌ها اغلب ماهها بطول می‌انجامد و ما دائما از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حال حرکتیم. اخیرا مالکین انرژی خود را برای ترور فعالین اتحادیه متمرکز کرده‌اند. این همان مالکین بزرگی هستند که "چیکو مندز" و ۶ عضو دیگر اتحادیه را همراه با ۱۲ نفر که شاهد جنایت بودند به قتل رساندند. دو رفیق دیگر اتحادیه در دو منطقه دیگر به همین ترتیب به قتل رسیدند. مالکین بزرگ از امکانات مالی بسیار خوبی برخوردارند. آنها یک شبکه رادیویی بسیار قوی در اختیار دارند. البته ما هم روی سازمانهایی که از ما حمایت می کنند حساب می کنیم ولی آنها کم جمعیت ترند. یکی از آنها شورای ملی است. ما باید با تمام مشکلات ناشی از این سرکوب سازمان یافته دست و پنجه نرم کنیم. بویژه در ایالت

"هوس مارتیو" نماینده و دبیر شورای ملی کارگران کائوچو در برزیل است، وی که به دعوت محققین فرانسوی برای اجرای یک کمپین تبلیغاتی وسیع علیه مالکین اراضی برزیل، و علیه سیاست ترور فعالین اتحادیه‌ای و همکاری پلیس برزیل با مالکین به فرانسه آمده بود در جلسه‌ای که "کمیته همبستگی بین‌المللی" ترتیب داده بود شرکت کرد. متن زیر تلخیص شده سخنرانی وی است که توسط سارا اصلایی همکار کارگر امروز در فرانسه که در این جلسه شرکت داشت تهیه شده است.

من سعی می کنم شرایطی را که ما در آن بسر می بریم توضیح دهم، شرایطی را که بسیار بحرانی است زیرا در هر دو روز یک فعال اتحادیه به قتل می رسد. این وضعیت بویژه در منطقه آمازونی که حدود یک میلیون و نیم نفر در آن ساکنند و یک میلیون نفر هم از شهرها برای کار به آنجا می آیند بسیار وخیم تر است. زمینهایی که در دست مالکین بزرگ است مرتبا افزایش می یابند. در منطقه "اکر" ۱۵ میلیون هکتار یعنی ۸۵ درصد زمینها در دست ۱۵۰ نفر است. تنها ۱۰ نفر بیش از ۸ میلیون هکتار زمین در مالکیت خود دارند. تعداد کشاورزان بدون زمین در کل برزیل به ۱۴ میلیون نفر می رسد. مبارزهای که ما سالهاست به پیش

محکوم شده است، فکر نمی کنم طرح این مسئله در جنبش کارگری لوکس و تصنعی باشد. اما بالاخره بحثهایی که در اینمورد مطرح کردم ثمر خود را ببار آورد و امروز من تنها و منزوی نیستم. من فعلا نمی توانم قدمی بردارم بدون اینکه پلیس را پشت سر خود ببینم. این یک شمشیر دو سر است. زیرا پلیس به بهانه محافظت در تمام جلسات ما در جنگل حاضر است و می تواند به راحتی و بدون دردسر مالکین را از اهداف و حرکات ما مطلع کند. ما با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم تصمیم به تشکیل کمیته‌ای گرفتیم که وظیفه آن دفاع از رهبران است. با این هدف که حداقل در ۲ سال آینده نگذاریم که هیچیک از آنها به قتل برسند. در واقع گرفتن جان یک فعال اتحادیه‌ای برای مالک تنها ۲۰۰۰ دلار تمام می شود. ۱۰۰۰ دلار در وقت بستن قرارداد و ۱۰۰۰ دلار پس از انجام قتل. در سپتامبر گذشته آنها بازار مکاره‌ای براه انداختند که در آن ۵۰۰۰ گاو را فروختند و با عواید آن اسلحه‌های متنوع و فراوان خریدند تا فعالین را از پا در آورند. مثلا در مورد من تصمیم گرفته شد که ۴ کارگر کائوچو و ۴ دهقان کار و خانواده خود را رها کنند تا امنیت جانی مرا بطور دائم تضمین کنند. آنها از مشروبات الکلی پرهیز می کنند. تماس خود را با خانواده‌هایشان کاملا قطع کرده‌اند و در نتیجه خانواده‌هایشان بدون سرپرست و تامین معاش مانده‌اند. یک چنین تدارکی به "چیکو مندز" اجازه داد که ۸ بار از مرگ بگریزد اما ما مرتکب اشتباه جدی شدیم که پس از قتل "چیکو" ما را بسیار به فکر انداخت. او از حمایت پلیس برخوردار شده بود و ما در ابتدا فکر

دفاع از تمام اعضای اتحادیه در مقابل مالکین سازمان یافته را در اولویت دستور کارمان قرار داده‌ایم. در ایالت "پارا" فعالیت وسیعی از سوی همه کارگران در جریان است و ما با سازمانهای آنها در تماس هستیم. هدف ما اینست که فعالیت خودمان را در ۹ ایالت آمازونی توسعه دهیم تا بتوانیم یک سیاست واحد و سراسری را عملی کنیم. به این منظور با فدراسیون کارگران کشاورزی که خودمان آنها بوجود آوردیم و در ایالت اکر با ۱۲ سندیکای دیگر بطور واحد عمل می کنیم. اما فاصله جغرافیایی که اتحادیه‌ها را از هم جدا می کند مانع واقعی در مقابل توسعه کار ماست. بهرحال دفاع از جان فعالین اتحادیه‌ای در تمام اتحادیه‌های برزیل مطرح شده است. در حاشیه باید بگویم که هر بار که من به ساوپولو می روم تا رفقای اتحادیه "سی.یوتی" را ملاقات کنم باید ۴۰۰۰ کیلومتر را طی کنم و وقتی که خزانه اتحادیه خالی است دچار مصیبت بزرگی می شویم. این یکی از موانع مهمی است که نمی گذارد ارتباطات ما در سطح کشور با اتحادیه‌ها بگیرد. در آخرین مجمع عمومی که در "برزیلیا" برگزار کردیم، نمایندگان بقیه اتحادیه‌ها حضور داشتند. در این مجمع عمومی بود که من مسئله "دفاع از خود" کارگری را مطرح کردم زیرا واقعا برای ما مسئله مرگ و زندگی است. اما با مقاومت بسیار شدیدی از طرف بعضی از فعالین اتحادیه‌ای و همچنین در سطح رسانه‌های گروهی مواجه شدم که مرا متهم به ایجاد میلیس کارگری می کردند. ولی در کشوری که تا بحال ۱۶۰۰ فعال اتحادیه‌ای طی ۱۰ سال به قتل رسیده‌اند و تنها یک قاتل

می کردیم که این حمایت، نقطه اتکا مثبتی است. اما وقتی چیکو در اولین توطئه‌ای که در دامان حمایت پلیس علیه جان او شد به قتل رسید، متوجه شدیم که خود پلیس مستقیما در بسیاری از قتل‌ها دست داشته است. در حال حاضر تنها راهحلی که داریم اینست که "حمایت پلیس" را بپذیریم اما امنیتمان را خودمان تامین کنیم. اما اسلحه گران است و نمی توانیم آنرا تامین کنیم. در ایالت "برزیلیا" ۴ نفر تهدید به مرگ شده‌اند که یکیشان من هستم. پیامی که دریافت کردیم اینست: مرا استخدام کرده‌اند که شما را بکشیم. شما پایان سال ۹۱ را نخواهید دید. شورای ملی کارگران کائوچو شبکه‌ای از مراکز رادیویی و تلفنی در بعضی مناطق ایجاد کرده است. اما هنوز کافی نیست و نمی تواند مانع اجرای ترورها شود. مشکل دیگر برقراری انضباط در صفوف خودمان است. ما باید کمپین وسیع همبستگی را برای تامین کمکهای متقابل و موثر براه بیاوریم. این کمپین کار خود را آغاز کرده است. امروز ۱۵۰۰۰ نامه از همه نقاط جهان برای دولت برزیل فرستاده شده است. من از فرستندگان این نامه‌ها تشکر می کنم. این مصاحبه‌ها و تبلیغاتی که حول مسائل ما انجام می گیرد حمایت موثری است، هر چند که تروریست‌ها را متوقف نخواهد کرد. اما ترور من دولت برزیل را در وضعیت ناچواری قرار خواهد داد. یادآور می شوم که کمپین همبستگی بسیار مهم است. نمونه "کمیته همبستگی بین‌المللی" را در میان فعالین اتحادیه برزیل مطرح خواهم کرد زیرا تنها حرف زدن از همبستگی کارگری کافی نیست، باید آنرا به عمل در آورد.

راه آهن آمریکا و دخالت دولت

۳۰ هزار نفر از کارگران فنی بود. بعلاوه آنها تصمیم داشتند که حوزه‌ای را که می توان به یک کارگر دستور داد در آن کار کند، وسیعتر کنند. یعنی این حق را که کارگران باید به محل سکونت خود نزدیک باشند، تا حد زیادی از آنها سلب کنند و آنها را به نقاط دور تر منتقل سازند. این حمله در واقع تمام کارکنان و کارگران راه آهن را در بر می گرفت. از کارگران تعمیر کار تا رانندگان، فروشندگان و حتی مهندسين و تکنسینها.

به همین دلیل اتحادیه‌های مختلف راه آهن که تا آن زمان در بین خود دارای اختلافات و پراکندگی بودند بهم فزودند. همبستگی به خواست و گرایش همه کارگران تبدیل شده بود.

کشیده شدن پای حکومت

مدیران راه آهن بعد از ارائه طرح خود منتظر دخالت دولت نشستند. آنها میدانستند که در شرایط موجود سیاسی در آمریکا، طرحهایی که با ادعای بالا بردن کارایی، قدرت رقابت و عقلانی کردن مطرح شده باشد دهان سران حکومت را آب می‌اندازد. بعلاوه میدانستند که بنا به قانون کار راه آهن وقتی شرایط بفرنجی پیش آید دولت یک هیئت اضطراری را مامور می کند که راه حل‌هایی پیشنهاد کند. حتی اگر این راه حل‌ها نامربوط باشند، رئیس جمهوری و کنگره این قدرت را دارند که آنها را تحمیل کنند.

در هر حال، در بهار سال ۱۹۹۰ پرزیدنت بوش هیئت ویژه‌ای را برای این کار منصوب کرد. این هیئت بعد از تحقیقاتی که ۲۰ هزار صفحه کاغذ را پر کرده بود، توصیه‌هایی

بازسازی این صنعت در دهه هشتاد نقش مهمی ایفا کرد. ۳۵ هزار مایل از خطوط آهن از دور خارج شد. دهها راه آهن غیر اتحادیه‌ای بوجود آمد. در مواردی بنگاههای جدید تمام تجهیزات خود را از بنگاههای قدیمی تر اجاره می کردند و کارگران قبلی آنها را که اخراج شده بودند، با دستمزد پایین تری به کار می گرفتند. بطور خلاصه در جریان بازسازی دهه هشتاد بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارگران شغلای خود را از دست دادند. آنها که سر کار باقی ماندند، اختیارات زیادی را از دست دادند. اختیاراتی نه فقط در زمینه دستمزدها و دریافتی‌ها، بلکه در زمینه مقررات و شرایط کار. بخشی از کارگران برای حفظ شغلای خود انتقال به نقاط دور دست را پذیرفتند. شرایط کار بسیار بدتر شد و مقررات بیش از پیش غیر انسانی گردید.

این اقدامات گشایش زیادی در کار بنگاههای راه آهن ایجاد کرد. تولید در این صنعت از ۹۳ درصد کل صنایع آمریکا سریعتر رشد کرد. سودها به رکورد تازه‌ای رسید. یک نمونه جالب در این زمینه شرکت "بورلینگتن نورتون" است. در سال ۱۹۸۸ بنگاههای اصلی راه آهن حمله دیگری را به شرایط کار و دستمزد کارگران آغاز کردند. آنها ادعا کردند که به دلیل بالا بودن دستمزدها و هزینه‌ها قادر به رقابت نیستند و باید مقداری از دستمزدها و هزینه‌های بهداشتی را کم کنند. در واقع این آغاز حمله همه جانبه‌ای به دستاوردهای کارگران و به منظور سخت تر کردن مقررات و شرایط کار بود. به دنبال آن مدیران بنگاهها طرح کم کردن پرسنل فنی قطارها را مطرح کردند که به معنای بیکارسازی

از: "لیبر نتر" نشریه کارگری چاپ آمریکا

روز ۱۷ آوریل ۲۳۰ هزار کارگر راه آهن دست از کار کشیدند و گوشه‌ای از قدرت عظیم کارگران در آمریکا را به نمایش گذاشتند. این بخش از کارگران راه آهن که یازده تا از بزرگترین خطوط آهن آمریکا را در بر می گیرند و توسط ۱۳ اتحادیه نمایندگی می شوند، با اعتصاب خود سیستم راه آهن کشور را به توقف کامل کشاندند.

اعتصاب تمامی کارگران از فرزندکان بلیط در ادارات راه آهن شهرهای بزرگ تا تعمیرکاران خطوط آهن در نقاط دور دست موقتالت را در بر می گرفت. این اعتصابی یکپارچه بود.

از آن طرف کنگره آمریکا، سنا و رئیس جمهور نیز یکپارچه عمل کردند. آنها با یک اقدام اضطراری یکصدا به کارگران دستور دادند که سر کارهای خود برگردند. فقط ۵ عضو کنگره به این اقدام رای مخالف داده بودند. جریان به تصویب قانون موسوم به "استاگرز اکت" در سال ۱۹۸۰ برمی گردد. با این لایحه در واقع دولت به هشت دهه به حال خود رها کردن راه آهن پایان داد.

صاحبان کمپانیهای راه آهن شکوه کرده بودند که آنها ناچارند خدماتی را حفظ کنند که سود آور نیست. معاهده "استاگرز" به آنها اجازه داد که این نوع خطوط آهن و حمل و نقل را بفروشد و یا از دور خارج کنند. بعلاوه و مهمتر اینکه این معاهده اعلام می کرد که اگر خریداران شرکتی دیگری غیر از صاحبان قبلی آنها باشند، مجبور به گردن گذاشتن به توافقات قبلی با کارگران نمی باشند. این اقدامات در

کردند. حتی یک کارگر از خط پیکت عبور نکرد. مطبوعات در مورد اینکه اعتصاب کار را بد تر خواهد کرد جنجال راه انداخته بودند. هنوز ۱۸ ساعت از شروع اعتصاب نگذشته بود که کنگره دستور داد این اعتصاب باید پایان یابد. از ۴۰۰ نماینده کنگره فقط ۵ نفر رای مخالف داده بودند. پرزیدنت بوش را هم خیر کرده بودند تا این دستور را رسمیت بخشد. با وجود چنین سرانجامی، این اعتصاب قدرت کارگران را به آنها نشان داد. این اعتصاب نشان داد که علیرغم همه ادعاهای در مورد کم شدن تعداد کارگران صنعتی و افزایش خدمات، کارگران این قدرت را دارند که تمام اقتصاد کشور را به توقف کامل بکشانند و کارگران راه آهن می دانستند که دقیقا بعلت فعالیت و اعتصاب آنها بود که توصیه‌ها و پیشنهادات کذایی هیئت ویژه بلافاصله به عمل گذاشته شد.

مبارزه ادامه مییابد

وقتی متن واقعی تصمیم کنگره در مورد پایان اعتصاب تعیین یک هیئت جدید علنی شد، کارگران متوجه شدند که تا چه حد در پشت پرده به آنها خیانت شده است. هیئت جدید، اولای یکی از اعضای هیئت قبلی را شامل می شود و ثانیاً حوزه عمل آن به همان توصیه‌هایی که هیئت قبلی مطرح کرده بود محدود است. این هیئت موظف است که فرض را بر معتبر بودن توصیه‌ها و پیشنهادات هیئت قبلی بگذارد و اگر احيانا اشکالاتی در فرمولبندیها بوده یا هیئت قبلی اطلاعات نادرستی دریافت کرده، آنها را اصلاح کنند و...

و بالاخره توصیه‌های هیئت جدید آخرین توصیه خواهد بود و کارگران در مقابل آن هیچگونه حق اعتصابی ندارند. سه هفته بعد از اعتصاب هنوز پرزیدنت بوش هیئت جدید را تعیین نکرده است. مدیریت در تلاش است با مذاکره با اتحادیه‌های منفرد، صفوف کارگران را پراکنده سازد. و از آن طرف در میان کارگران نیز بحث در مورد چگونگی ادامه مبارزه ادامه دارد.

واقعا تاریخی را مطرح کرد. آنها توجهی به اعتراضات اتحادیه‌ها در مورد بیکارسازیها و کم کردن ساعات استراحت و غیره نکردند. بلکه بر عکس تمام طرحهای مدیران را بعنوان توصیه‌های خود مطرح ساختند. نتیجه تحقیقات و توصیه‌های هیئت ویژه حکومت که در ماه ژانویه ارائه شد، بازبوسی قوانین و مقررات کار ضدکارگری بود که دست مدیران را در اخراج کارگران و فشار بر آنها باز می گذاشت و تا کنون سابقه نداشته است.

با ارائه پیشنهادات این هیئت موج اعتراضات و راه پیمایی هزاران کارگر را در بر گرفت. چهار ماه بعد از این شاهد حرکتی اعتراضی، طومارها و تجمعات کارگری در مقابل این پیشنهادات بود. فعالیتهای تهنجی و نامه‌های اعتراضی در بسیاری از مناطق مختلف به جریان افتاد. هزاران کارگر راه آهن به کنگره آمریکا نامه نوشتند که مضمون اصلی آن این پیام موکد بود: دخالت نکنید! حرکتی محلی و منطقه‌ای کارگران، رهبران اتحادیه سراسری راه آهن را تحت فشار جدی قرار داد. بحث اعتصاب در همه جا مطرح بود. بعضی رهبران اتحادیه‌ها پیشنهاد می کردند که بجای اعتصاب سراسری که مطمئنا پای کنگره و دولت را وسط خواهد کشید، بهتر است اعتصابات موضعی و کوتاه مدت صورت گیرد. اما سرانجام کارگران راه آهن از دست آنها خارج بود. مدیریت تهدید کرد که اگر در یک بنگاه اعتصاب صورت گیرد تمام بنگاهها بسته خواهند شد. و کنگره یا باید دخالت کند، و یا عملی شدن یک اعتصاب یا "لاک اوت" را بپذیرد.

اعتصاب

صبح روز ۱۷ آوریل، کارگران راه آهن بیکتهایی را در سراسر کشور برپا

مصاحبه با محسن سعیدی فر

پیرامون جنبش کارگری ایران و مسائل شرکت واحد

محسن سعیدی فر بعد از سال ۶۰ تا هنگام عزیمت به خارج از کشور، سال ۶۹، در شرکت واحد تهران مشغول بکار بوده است. وی نیز از جمله "قشر جدید" کارگران شرکت واحد است که به گفته خود او مضمون و موقعیت دیگری به اعتراض کارگران شرکت واحد تهران بخشیده اند.

کارگر امروز: اجازه بدهید که از اینجا شروع کنیم. می شود گفت بعد از سال ۶۰ جنبش کارگری ایران وارد دوره متمایزی شده است. شما در مورد تحولات جنبش کارگری بعد از سال ۶۰ چه فکر می کنید؟

محسن سعیدی فر: پاسخ به این سؤال البته به بررسی همه جانبه تری نیاز دارد. اما تا آنجا که من شاهد بوده ام، بعد از سال ۶۰ این جنبش به سمت آگاهتر شدن کارگران نسبت به منافع طبقاتی پیش رفته است. آن حس و زوائلی که از جنبش های دیگر غیر کارگری وارد آن شده بود و یا وجود داشت، بتدریج حذف شد و کارگران تمایز منافع طبقاتی خود را چه در زمینه سیاسی و چه مهمتر از آن در زمینه مطالبات اقتصادی نشان دادند. شرکتشان در مبارزه علیه قانون کار و اعتراضات وسیعی که این چند ساله بوده اینرا نشان می دهد.

ک.ا: این تحولات خود را در چه چیزهایی نشان می دهد؟

م.س: برای مثال شعارهای سیاسی جنبش های غیر کارگری که خود را در شعارهای گروهها و سازمانهای سیاسی نشان می داد تقریبا هیچ وقت به شعار کارگران تبدیل نشد. اگر زمانی هم کارگران این شعارها را ملاحظه می کردند اما هیچ وقت ندیدیم که کارگران مثلا خواستار حکومت دمکراتیک انقلابی که گروهها مطرح می ساختند بشوند. ولی ما شاهد مثلا مطالبه یک قانون کار انقلابی بودیم، قانونی که زندگی و آینده کارگر را بتواند تامین بکند. حق اعتصاب را. برایش تامین بکند. حداقل دستمزدی که معیشت او را تامین بکند به او بدهد.

ک.ا: فکر نمی کنید که مثلا در قبل از سال ۶۰ و سالهای انقلاب اینکه کارگران حکومت آلترناتیوی را مطرح نکردند خود یک نقطه ضعف کارگران بود؟

م.س: این البته یک نقطه ضعف هست، منتها منظورم از اینکه می گویم تحول مهم در جنبش کارگری ایران تعمیق آگاهی طبقاتی است برای مثال مطرح شدن خواست ۴۰ ساعت کار و تعیین حداقل دستمزد بر مبنای خانواده پنج نفری است که در گذشته یا نبود و یا صراحت نداشت. اما

جا افتادن اینها بعد از سال ۶۰ و مثلا مبارزه بر سر قانون کار تعمیق جنبش طبقاتی را نشان می دهد و این منافاتی با این ندارد که جای یک آلترناتیو سیاسی در شعارهای کارگران خالی باشد.

ک.ا: شما قانون کار تازه رژیم را لایذ دیده اید، در این مورد چه می گوید؟

م.س: با توجه به اینکه آخرین پیش نویس را خوانده ام، باید بگویم که کارگران نمی توانند اینرا بعنوان قانون کار بپذیرند. قانونی که در آن حق اعتصاب برسمیت شناخته نشده، قانونی که دست کارفرما را در اخراج کارگر باز گذاشته، قانونی که در آن حداقل دستمزد توسط یک ارگان غیر خودی تعیین می شود نمی تواند مورد تایید کارگران باشد.

کارگران فریب جمهوری اسلامی را نمی خورند و خیلی مسائل لاینحل برایشان باقی مانده است. البته جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند قانونش را بعنوان چیزی که به کارگران حقوقی می دهد جا بزند ناچار شده بعضی تغییرات جزئی در آن وارد کند مثلا تعطیلی اول مه. اما ما می دانیم که روز کارگر بطور در ایران برگزار می شود و با این قانون به کارگر این حق داده نمی شود که در اول مه اجتماعات و خواستها و شعارهای خودش را داشته باشد.

ک.ا: شما گفتید که کارگران خواهان ۴۰ ساعت کار هستند. راجع به ۳۵ ساعت کار چه می گوید؟

م.س: بنظر من یکی حقانیت این شعار است و یکی هم امکان عملی شدن آن. زمانیکه شعار ۴۰ ساعت کار مطرح می شد شاید بنظر می آمد که فقط یک ایده آل باشد و عملی نگردد. ولی امروز لاقول در بخشهای بزرگی از دنیا عملی شده است. بنابراین شعار ۳۵ ساعت کار ضمن اینکه جنبه روشنگرانه دارد، تأییدی است بر این خواست. البته در شرایط حاضر ایران که هنوز ۴۰ ساعت کار عملی نشده است فکر می کنم تحقق ۳۵ ساعت کار احتیاج به مبارزه زیادی دارد. ولی من فکر می کنم که کارگران از این شعار بعنوان یک افق مبارزاتی استقبال می کنند.

ک.ا: شما شخصا به هیچ موردی برخورد کرده اید که این مطالبه مطرح بشود؟

م.س: کارگر امروز ایران تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و یکی از آنها اینست که خودش را جدا از تحولات جهانی نمی بیند. مطالبات جنبش کارگری جاهای دیگر به مطالبه کارگران تبدیل می شود. وقتی کارگران ایران می بینند که این شعار مثلا در آلمان تا حدودی عملی شده و می رود که ۳۵ ساعت بصورت گسترده جا بیفتد، از این استقبال می کنند و اینرا خواست خودشان هم می دانند.

ک.ا: در مورد مشکل تشکل در جنبش کارگری ایران چه می گوید؟

وضع تشکل در شرکت واحد چگونه است؟

م.س: نداشتن تشکل واقعی همیشه یک معضل جنبش کارگری ایران بوده است. کارگران پیشرو همیشه راجع به این مشکل صحبت می کنند. ولی هنوز آن آلترناتیو عمومی را که باید، در برابر خودشان نگذاشته اند.

پیش از انقلاب کارگران شرکت واحد دارای یک سندیکای زرد بودند. هنوز هم کارگران و رانندگان شرکت واحد از فروخته شدن خود توسط سندیکا به دولت یاد می کنند. بعد از انقلاب، از تشکلی شورای شرکت واحد متشکل از نمایندگان کارگران و رانندگان کلیه مناطق و تعمیرگاهها می توان یاد کرد که محبوب بود و حمایت اکثریت انتخاب کنندگان را با خود داشت و در مدت عمر کوتاه خود توانست امتیازات چشمگیری از مدیریت بگیرد. ولی در جریان سرکوب سال ۶۰ اکثر نمایندگان دستگیر و بعد از مدتی زندانی کشیدن غالبا اخراج شدند و تا کنون کارگران شرکت از داشتن هرگونه تشکل توده ای و مبارزاتی محروم بوده اند.

ک.ا: با این فقدان تشکل، برای مثال کارگران شرکت واحد چه می کنند؟

م.س: تا آنجایی که من شاهد بوده ام مجمع عمومی چیزی است که کارگران واحد تا حدی پای آن رفته اند و آنرا عملی می کنند. ولی مجمع عمومی که مد نظر من هست در شرکت واحد هنوز تشکل نشده است. ولی مجمع عمومی های کوچکتر در جاهای مختلف شرکت تشکل می شود و کارگران می نشینند و راجع به خواستهای خود صحبت می کنند. شعار مجمع عمومی منظم چیزی است که دارد جای خود را باز می کند.

ک.ا: می توانید نمونه های مشخصی را بگویید؟

م.س: بدیالی شاید اینجا درست نباشد که مشخص اسم ببرم. اما شرکت واحد مرکب از مناطق و تعمیرگاههای مختلف است و ۱۲-۱۳ هزار کارگر و راننده آن در این بخش های مختلف در سطح تهران پراکنده اند. کارگران در بخش های خودشان بعد از آنکه چند نفری راجع به خواستهایشان صحبت کردند، یک روز سرپرست و یا مدیر مربوطه را می خوانند که به اجتماع آنها بیاید و راجع به خواست و یا خواستهای معین صحبت کنند. در واقع این موارد بعنوان مجمع عمومی منظم، تثبیت نشده است. اما مجمع عمومی هایی هست که بر سر مسائل معین اینجا و آنجا تشکل می شود.

ک.ا: کارگران پیشرو در شرکت واحد چه وضعیتی دارند؟

م.س: متأسفانه رابطه گسترده و نزدیکی با هم ندارند. بصورت محافل پراکنده ای هستند و اگر در مورد معینی بخواهند کار واحدی بکنند چند نفر معدودی همدیگر را می بینند.

نمی شود گفت که کارگران شرکت واحد با هم در ارتباط هستند و با هم نقشه می کشند که چه بکنند و چه نکنند. رژیم شاه بخاطر موقعیت حساس شرکت واحد همیشه یک کنترل شدیدی

تا ۱۸ ساعت صرف آمد و رفت و کار می کنند. علاوه بر این در این میان تعداد هر چه بیشتری در خود شرق آلمان کلاسهای ارائه شده از طرف وزارت کار برای بازآموزی و یا بیش آموزی را می پذیرند تا از شر بیکاری خلاص شوند. علاوه بر این

پروژه های ایجاد کار از طرف دولت نیز بخشی از بیکاران را به خود جذب می کنند. عامل دیگر کاهش فشار در شرق آلمان، رونق باره بازار کار است که هر ساله غرب آلمان در ماههای بهار شاهد آنست. با گذشتن فصل بهار و تابستان و فرا رسیدن پائیز این عامل نیز بروخامت اوضاع خواهد افزود.

با فرا رسیدن ۳۰ ژوئن مهلت قرارداد بین کارفرماها و اتحادیه ها منقضی بر عدم بیکارسازی کارگران واحدهایی که در شرق آلمان قادر به ادامه کار نیستند، به پایان می رسد.

عده زیادی از واحدها قبلا اعلام داشتند که با فرارسیدن این موعد کارگران خود را اخراج خواهند کرد. افزایش تنشهای اجتماعی و بی ثباتی و تظاهرات و ابراز نارضایتی های وسیع در شرق آلمان در ماههای اخیر باعث شد که کارفرماها از طرح اولیه خود عقب نشینی کنند. اتحادیه های کارگری خواستار تمدید این مهلت هستند. این مطالبه از جانب کارفرماها رد شده و به هیچ وجه مبنای مذاکره نیز نخواهد بود. در مقابل اتحادیه های کارفرماها با در دست گرفتن طرحی که قبلا از جانب اتحادیه های کارگری ارائه شده بود اکنون در صدد هستند موسسات اشتغالی ایجاد کنند. بر اساس این طرح شهرکهای موجود در شرق آلمان نیز بمتابیه اجزائی از این موسسات آتی وارد عمل خواهند شد. چنین موسساتی که بطور اساسی با هدف

داده است. قول اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت عیدی و پاداش مطابق قرار داد را داده است که عید ۶۹ اجرا شد.

ک.ا: بنظر می رسد که در فروردین ۶۸ کارگران شرکت واحد تهران پای یک اعتصاب سراسری بودند؟

م.س: اعتصاب بطور گسترده تر در بین رانندگان خطوط مختلف صورت گرفت. علاوه بر اینکه اکثر خطوط اتوبوسها را متوقف کردند از پیش هم توضیحاتی به مردم داده بودند و آنها در جریان اعتصاب بودند. از طرف سپاه و صنایع دفاع اتوبوسهای را ریختند توی خطوط برای جلوگیری توقف حمل و نقل و تهدیدهایی هم از جانب رژیم صورت گرفت. گرچه دولت نمره این حرکات را همان موقع نداد ولی در سال بعد در واقع شاهد پیروزی این مبارزه بودیم.

ک.ا: اوضاع سیاسی و فکری کارگران چطور است؟ کدام گرایشات در بین کارگران فعال هستند؟

م.س: اگر تحولات چند سال اخیر را در نظر بگیریم دو گرایش عمده در بین کارگران ایران وجود دارد. یکی گرایش لیبرال - سندیکالیست و طرفدار سیاسی رژیم - در واقع جناح رفسنجانی که بیشتر محافظه کار و امکان گرا است. و دومی گرایش چپ رادیکال است. این گرایش البته هنوز خیلی کمبود دارد و آلترناتیوهای مشخص در زمینه مطالبات و تشکل در جلوی خودش ندارد. ولی بهرحال با همان گرایش عمومی اش به کمونیسم از پتانسیل بالایی برخوردار است. بین کارگران از محبوبیت و اعتماد برخوردار است. در اکثر اعتراضات پیرو است. و بنظر من بالقوه می تواند رهبری جنبش کارگری را در آینده بدست بگیرد.

ک.ا: با توجه به تحولات شوروی و اروپای شرقی کلا فکر می کنید که موقعیت کمونیسم و سوسیالیسم در بین کارگران ایران چگونه است؟

م.س: شوروی به مثابه یک کلیت سیاسی اقتصادی و ایدئولوژیک از گذشته زیر ذره بین کارگران ایران قرار داشته است. بویژه بعد از انقلاب. ابتدا از نظر سیاسی، شوروی و بلوک شوروی در نظر کارگران کمونیست طرد شده بود - بدلیل برخورد شوروی از نظر سیاسی با انقلاب ایران و جنبش کارگری ایران - و بتدریج به زمینهای دیگر هم گسترش پیدا کرد. یعنی انتظار می رفت که یک روزی اینها با بحران شدیدی روبرو شوند. به اعتقاد من تحولات شوروی تأثیرات منفی بر کارگران کمونیست در ایران در زمینه اعتقاداتشان به سوسیالیسم و پیروزی آن باقی نگذاشته است. به جرئت می توانم بگویم که نتیجه اش حتی مثبت هم بوده است. این واقعبینی است که من از نزدیک شاهد آن بوده ام.

یک سرمایه داری دولتی با ماسک کمونیسم که سعی در فریب کارگران و سرکوب مبارزات زحمتکشان کشورهای دیگر داشت، وقتی که با بحران روبرو شد و رو به اضمحلال رفت، کارگران به قول معروف یک نفس راحتی کشیدند.

گسترش صنایع پایه ای و گسترش امکانات کارآموزی ایجاد خواهند شد از حمایت مالی دولت برخوردار خواهند بود. کارگرانی که به این موسسات منتقل می شوند حقوقی معادل حقوق کارگران در حال کارآموزی دریافت خواهند کرد. با اینهمه اتحادیه کارفرماها مصر است که حتی بطور سمبلیک کلیه این کارگران، ولو به مدت یک فائیه هم که باشد، از کار بیکار شوند. عواقب چنین امری نیز روشن است. کارگران به این ترتیب از پوشش یک کارفرما عملا به پوشش کارفرمای دیگر منتقل خواهند شد. این به معنای لغو کلیه تعهدات تا کنونی کارفرماها در مقابل کارگران خواهد بود.

در ماههای آینده در آلمان هر چیزی امکان وقوع دارد، غیر از آرامش و صلح و صفائی که وعده داده شده بود.

ک.ا: این تحولات خود را در چه چیزهایی نشان می دهد؟

م.س: برای مثال شعارهای سیاسی جنبش های غیر کارگری که خود را در شعارهای گروهها و سازمانهای سیاسی نشان می داد تقریبا هیچ وقت به شعار کارگران تبدیل نشد. اگر زمانی هم کارگران این شعارها را ملاحظه می کردند اما هیچ وقت ندیدیم که کارگران مثلا خواستار حکومت دمکراتیک انقلابی که گروهها مطرح می ساختند بشوند. ولی ما شاهد مثلا مطالبه یک قانون کار انقلابی بودیم، قانونی که زندگی و آینده کارگر را بتواند تامین بکند. حق اعتصاب را. برایش تامین بکند. حداقل دستمزدی که معیشت او را تامین بکند به او بدهد.

ک.ا: فکر نمی کنید که مثلا در قبل از سال ۶۰ و سالهای انقلاب اینکه کارگران حکومت آلترناتیوی را مطرح نکردند خود یک نقطه ضعف کارگران بود؟

م.س: این البته یک نقطه ضعف هست، منتها منظورم از اینکه می گویم تحول مهم در جنبش کارگری ایران تعمیق آگاهی طبقاتی است برای مثال مطرح شدن خواست ۴۰ ساعت کار و تعیین حداقل دستمزد بر مبنای خانواده پنج نفری است که در گذشته یا نبود و یا صراحت نداشت. اما

می کند. فرانکه معتقد است که از جمع ۹/۸ میلیون نیروی شاغل آلمان شرقی سابق کلا بین ۳۰ تا ۵۰ درصد بیکار خواهند شد. با اینهمه در همین وضع فعلی فشار در بازار کار آلمان شرقی از طرق مختلف کاهش می یابد. از جمله تعداد بیش از ۳۰۰ هزار نفر که در حال رفت و آمد دائمی از شرق به غرب هستند و آخر هفته ها به منزلشان در شرق آلمان برمی گردند و یا بیش از همین تعداد کسانی که در مناطق مرزی سابق زندگی می کنند و برای کار هر روز به غرب آلمان می آیند. بسیاری از این افراد روزانه بین ۱۶

بیکاری در آلمان

بقیه از صفحه اول

بیکاری در آلمان

مصاحبه با الکساندر کویروز سوریانو و الکساندر آلوارز

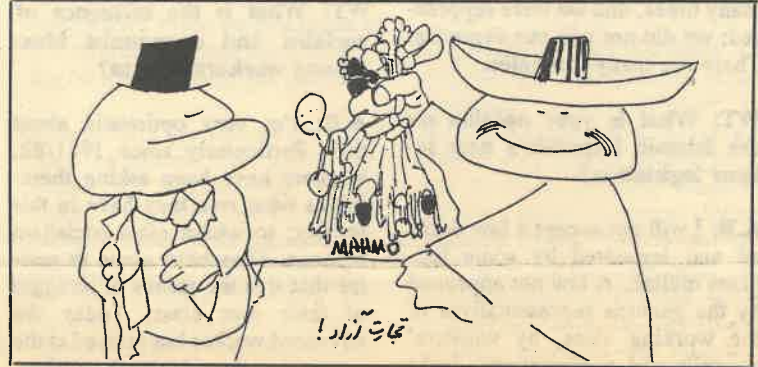
پیرامون جنبش کارگری مکزیک

مرکز خبری کارگر امروز: با به اجرا درآمدن موافقتنامه تجارت آزاد و امور گمرکی بین دولتهای آمریکا، کانادا و مکزیک صدها هزار کارگر در آمریکا و کانادا بديل انتقال کارخانجات و مراکز توليدي به مکزیک شغلهاي خود را از دست داده‌اند و در خود مکزیک نيز سطح دستمزدها پشند سقوط کرده است. فعالين اتحاديه‌اي در اين سه کشور تا کنون اعتراضات گوناگوني را برای لغو اين موافقتنامه سازمان داده‌اند. از جمله در ماه مه امسال فعالين اتحاديه‌اي اين سه کشور در شهر تورنتو کانادا یک کنفرانس برگزار کردند که با حمايت و سازماندهي شورای مرکزی کارگران تورنتو و ائتلاف آنتاریو برای عدالت اجتماعي ترتیب داده شده بود. اين کنفرانس نه برای اتخاذ یک سياست معين بلکه برای آشنايي نژديکتر با نتايج تا کنوني اين موافقتنامه بر زندگي کارگران اين سه کشور و بررسی امکان همکاريهاي آتی بين آنها بود. در اين کنفرانس که سه روز بطول انجاميد و بيش از ۱۷۰ نفر در آن شرکت کردند "آرام مشير" از همکاران کارگر امروز در کانادا از طرف "کمپين همستگي کارگران ايران و کانادا" حضور داشت و گفتگوهایی با چند تن از شرکت کنندگان در اين کنفرانس انجام داد که تلخیص شده گنگو با دو تن از آنها را در اين شماره خواهيد خواند.

۸ سال گذشته در مکزیک بسيار زياد شده است. سرمايه‌داران خارجی و بومي مکزیک حدود ۵۱ درصد توليد ناخالص ملي را تصاحب می کنند و هر روز بخش کمتری از اين ثروت به کارگران می رسد. بعنوان مثال در سال ۱۹۸۰، ۳۷/۵ درصد ثروت به کارگران تعلق گرفت و در سال ۱۹۹۰ اين رقم به ۲۵ درصد رسيد. یک مسئله ديگر ما بیکاري است. بیکاري در مکزیک ۲۸ درصد است. به عبارت ديگر از هر سه نفر یک نفر بیکار است. ۱۳ درصد کاملاً بیکارند و ۱۰ درصد ديگر یک نوع کار نيمه وقت دارند. طبق آمار دولتي ۲۰ ميليون نفر زیر خط فقر زندگي می کنند. دولت سنتا کنترل زيادی روی اتحاديه ها، سازمانهاي دهقانان، و تشکلهای ديگر توده‌اي داشته است. اين کنترل صرفاً کنترل پليسي نبوده بلکه کنترل سياسي از طريق سيستم تک حزبي نيز بوده است. مکزیک یک دوره گذار را طی می کند و هدف ما ايجاد تغيير با روش صلح آميز، برای رسيدن به آزادي حق مشيرين نيروي جامعه هستند و تحقق اين هدف بسيار ضروري است. دولت قانون کار، قانون اساسي و قوانين بين‌المللي مربوط به کارگران را تغيير داده است. اساساً حق تشکل، اعتصاب و حق عضو شدن در اتحاديه در مکزیک نقض شده است. و اما "قرارداد تجارت آزاد". اتحاديه‌هاي کارگري وابسته به دولت از اين قرارداد پشتیباني می کنند. زیرا بدون دولت کارخانجات را از دست می دهند. آیا تاکنون از طرف فعالين کارگري تلاشي برای سازمان دادن اتحاديه‌هاي مستقل از دولت شده است؟

است. * ک.ا: کمی هم درباره اتحاديه ماهيگران، اتحاديه‌اي که خودتان عضو آن هستيد، شرايط کار و مبارزات کارگران برايما بگويد. * ک.ا: اتحاديه ما یک اتحاديه دولتي است. البته علي‌رغم آن ما یک خط انتقادی به دولت داريم. هدف ما فعاليت درون اين اتحاديه ها و غالب کردن خط اتحاديه‌هاي مستقل درون اتحاديه‌هاي رسمي است. دموکراتيزه کردن اتحاديه در مواردی انجام شده است. هدف اتحاديه صرفاً دفاع از منافع ماهيگران نيست، بلکه کسب حقوق کل مردم مکزیک است. در ۲۰ سال گذشته ۱۸ مرکز توليدي ماهی پسته و کارگران آن اخراج شدند. صنعت ماهيگيري متمرکز شده و در دست تعداد کمی کمپاني قرار گرفته است. صنعت ماهيگيري در حقيقت برای مصرف داخلي نيست و بازار خارجی را تامين می کند. سياست ما اينست که دولت مکزیک را وادار کنیم که اين صنعت به مصرف داخلي خدمت کند. * ک.ا: لطفاً درباره اول ماه مه در مکزیک صحبت کنید.

* کارگر امروز: درباره وضعيت عمومي جنبش کارگري مکزیک برايما بگويد. * الکساندر الوارز: جنبش کارگري پس از چندين سال عقب نشيني در سالهاي ۸۰ اکنون دوره تعرضي را طی می کند. جنبش کارگري مکزیک با مشکلات زيادی مواجه است. سياست رياضت دولت که در جوابگويي به خواسته‌هاي صندوق مالي بين‌المللي اتخاذ شده است، بیکاري، رکود اقتصاد، تورم و ثابت بودن دستمزدها را به همراه آورده است. * ک.ا: شرايط زندگي کارگران مکزیک چگونه است؟ * ک.ا: با درنظر گرفتن کاهش ارزش پول و دستمزدها می توان حدس زد که شرايط زندگي و سطح دستمزد کارگران مکزیک در پايين ترين سطح در دنيا باشد. کارگران شهرها بخش اعظم دستمزدهای خود را بابت کرایه خانه، و ترانسپورت می دهند. مکزیکوسيتي یک شهر بسيار بزرگ است و معمولاً محل کار کارگران با محل زندگي شان فاصله زيادی دارد. حال تصور کنید وضعيت کارگري که ۹ ساعت کار می کند و تازه روزانه بايد سه ساعت را صرف اياب و



ذهاب بکند چگونه است. تصادفات در محل کار بسيار زياد است. افزايش سرعت خط توليد و تصميم کمپاني‌ها ميني بر بستن کارخانهها بدون اطلاع قبلي و بر اساس نيازهاي بازار از ديگر مشکلات کارگران مکزیک است. خلاصه کنم، شرايط عمومي و سطح زندگي و کاری کارگران مکزیک هر روز بدتر می شود و اصولاً زنده ماندن خود مسئله‌اي است. کاری که کارگران برای جلوگیری از پايين تر آمدن بيشتر درآمدشان کرده‌اند اشتغال همه اعضای خانواده بوده است. * ک.ا: آیا کارگران مکزیک حق اعتصاب و تشکل دارند؟ * ک.ا: برای جواب به اين سوال بهتر است مقدمات اشاره‌اي به شرايط مشخص سيستم سياسي مکزیک بکنم. اتحاديه‌هاي رسمي، به دولت و حزب در قدرت وابسته هستند. در نتيجه وجودشان برسميت شناخته می شود. اگر کسی عضو اين اتحاديه‌ها بشود بطور اتوماتیک عضو حزب دولتي هم می شود. و اين برای کارگان مشکل ايجاد کرده است. کارگران مکزیک حق تشکل اتحاديه‌هاي مستقل خود را ندارند.

* ک.ا: اس: در روز اول ماه مه مراسمي توسط دولت و اتحاديه‌هاي وابسته به آن برگزار می شود. صدای مستقل کارگران در اينروز سرکوب می گردد. مرکز مکزیکوسيتي در اول ماه مه توسط نيروهاي ارتشي و پليس اشغال می شود و از راهپيمايي کارگران اتحاديه‌هاي مستقل بطرف شهر جلوگیری می کنند. تعداد پليس و سرباز از تعداد تظاهرکنندگان بيشتر بوده است. علي‌رغم اينها معمولاً تظاهراتی توسط اتحاديه‌هاي آزاد دموکراتیک سازمان داده می شود. بطور مثال اول ماه مه گذشته حدود ۲۰ هزار نفر در خيابانها برای خواست افزايش دستمزد، آزادي، و دموکراسي برای اتحاديه‌هايشان، شرايط کار بهتر و عليه امضا "قرارداد تجارت آزاد" در خيابانها دست به تظاهرات زدند. * * *

در نتيجه جنبش کارگري يا ايجاد اتحاديه‌هايی که برسميت شناخته نمی شوند فعاليتهاي خود را پيش می برد. به همين علت کارگران نه تنها خواهان افزايش دستمزدها بلکه خواهان حق تشکل و دموکراسي در اتحاديه نيز هستند. * ک.ا: چه درصدي از کارگران مکزیک در اتحاديه‌هاي رسمي و مستقل مشکله‌اند؟ * ک.ا: مسئله عضويت در اتحاديه در مکزیک مانند آمريکا با اين مشکل روبرو است که در برخی صنايع تعداد کارگران عضو اتحاديه در حال رشد و در برخی در حال افول است. مسئله ديگر اينست که اين تعداد در اتحاديه‌هاي رسمي افزايش پيدا کرده است. ما به اين اتحاديه‌ها می گوئيم اتحاديه‌هاي کاغذی. زیرا قرارداد امضا می کنند و حق عضويت می گيرند ولی از جلسه و گردهم آيي خيري نيست. فکر می کنم حدود ۲۳ درصد نيروي کار در اتحاديه‌ها مشکل است که یک کمی بيشتر از درصد تشکل کارگران آمريکا و کمتر از درصد تشکل کارگران کانادا باشد. * ک.ا: بنظر شما یک اتحاديه واقعي چه مشخصاتي دارد؟ * ک.ا: بنظر من مهمترين مشخصه یک اتحاديه واقعي، وجود دموکراسي برای ايجاد شرايط مناسب که در پرتو آن کارگران بتوانند نظرات و خواسته‌هاي خود را آزادانه مطرح کنند و وجود شرايطی که اعضا بتوانند رهبران خود را در صورت عدم انجام وظايفشان عوض کنند، است. * ک.ا: نظر و آلترونايو شما درباره "قرارداد تجارت آزاد" چيست؟ * ک.ا: "قرارداد تجارت آزاد" پيشنهاد دولت مکزیک بود. پيشنهادی که هنگام انتخابات توسط "ساليماز"، کانديد رياست جمهوري اصولاً مطرح شد. اين پيشنهاد ناگهان اعلام شد و مردم را غافلگير کرد. دليل اينکه ساليماز اين پيشنهاد را ارائه داد، چنين است: اولاً برای کسب پول و دسترسي پيدا کردن به بازار آمريکا و دوما هموار کردن راه برای سرمايه‌گذاري سرمايه‌هاي خارجی در اين کشور. از سال ۱۹۸۶ روابط دو طرفه بين اين دو کشور وجود داشته است ولی برای رشد اين روابط دولت مکزیک لازم ديده است که امتيازات بيشتری به دولت آمريکا بدهد.

و اما راه حل و آلترونايو؟ ما مخالف تجارت آزاد و در عوض طرفدار افزايش روابط بازرگانی در سطح بين‌المللي هستيم. روابطی که به ما فرصت حل مشکلات ناشی از رشد اقتصادي را بدهد. در اين زمينه مهمترين مسئله مکزیک حذف قروض کشور است. در عرض ۱۰ سال گذشته مکزیک سالانه ۹ ميليون دلار بابت قروضش به بانکهای جهاني پرداخت کرده است. تمام سود کسب شده از فروش نفت صرف بازپرداخت اين قروض می شود و چيزی برای مکزیک باقی نمی ماند. * ک.ا: در مورد مسائل محوري جنبش کارگري مکزیک برايما بگويد؟ * ک.ا: س: جنبش کارگري مکزیک با وضعيت سختي روبرو است زیرا دولت فشار زيادی به کارگران وارد می کند. دولت مکزیک از جنبه‌هاي مختلف حق کارگران را پايمال می کند. بحران عميق اجتماعي، سياسي و اقتصادي مکزیک که ناشی از پرداخت قروض خارجی است و همچنين شکست سياست اقتصادي باعث اين وضعيت شده است. تمرکز ثروت در

* کارگر امروز: لطفاً خودتان را معرفی کنید؟ * الکساندر کویروز سوریانو: من نماينده "اتحاديه کارگران ماهيگيري وزارت ماهيگيران مکزیک" و منشی بخش بين‌المللي اين اتحاديه‌ام. همچنين نماينده سازمان "دوستداران مکزیک عليه قرارداد تجارت آزاد" هستم. * ک.ا: درباره مسائل محوري جنبش کارگري مکزیک برايما بگويد؟ * ک.ا: س: جنبش کارگري مکزیک با وضعيت سختي روبرو است زیرا دولت فشار زيادی به کارگران وارد می کند. دولت مکزیک از جنبه‌هاي مختلف حق کارگران را پايمال می کند. بحران عميق اجتماعي، سياسي و اقتصادي مکزیک که ناشی از پرداخت قروض خارجی است و همچنين شکست سياست اقتصادي باعث اين وضعيت شده است. تمرکز ثروت در

کارگران خشمگين، کارخانه کاترپيلار را در کانادا اشغال کردند

کارگران کارخانه کاترپيلار در شهر برامپتون کانادا در اعتراض به بسته شدن کارخانه، اين کارخانه را به اشغال خود در آوردند. آنها خواهان پرداخت غرامت اخراج به حد مناسب هستند. اين حرکت کارگران مدير کله شق اين کارخانه را به پای ميز مذاکره کشاند، و مذاکرات تا رسيدن اين گزارش ادامه داشته است. روز ۱۲ آوريل کاترپيلار کانادا اعلام کرد که شعبه خود در برامپتون (اينتاریو) را که ۴۰۰ کارگر در آن کار می کنند خواهد بست و توليد لوادر را که در اين کارخانه انجام می شد به (رالی) در کارولينای شمالي منتقل خواهد کرد. اين کارخانه طی سه سال گذشته ۳۵ ميليون دلار ماليات در رفته سود داشته است. کارگران اين کارخانه آخرين قربانيان موافقت نامه موسوم به

اتومبيل سازی کانادا در ماه آوريل برگزار کرد بحث در اين زمينه در دستور گذاشته شد و کارگران به همستگي و اعتراض يکپارچه در مقابل تصميم کاترپيلار فراخوانده شدند. روز ۲۴ آوريل ۳۹ کارگر شيفت صبح پس از پايان شيفت، حاضر به ترک کارخانه نشدند. کارگران شيفت بعد از ظهر نيز به آنها پيوستند و از کار کردن امتناع کردند. روز بعد تمام کارگران کارخانه به آنها پيوستند. کارگران سريعاً خود را برای مانند در کارخانه و اشغال آن سازماندهي کردند. سمینارهاي توضیحي و آموزشی بر پا شد که در آن فيلم‌هاي ويدئویی نيز در مورد تاريخچه شورای کارگران اتومبيل سازی کانادا نشان داده شد. تيم‌هاي ورزشي و تفريحي نيز سازمان داده شد. برای کارگران از بیرون غذا و مواد خوراکی آورده می شد و خانواده‌هاي کارگران به دیدار آنها می آمدند و از آنها پشتیباني می کردند. در بیرون کارخانه کميته‌هایی برای جمع آوری کمک مالی، برقراری

ارتباطات، و کمک به خانواده‌هاي کارگري بر پا گرديد. طی اشغال کارخانه کارگران اين شعبه رئيس جديدي برای شورای اين کارخانه انتخاب کردند. چرا که رئيس قبلي شورا با اقدام کارگران مخالف بود و آنها غير قانونی و خشن اعلام کرده بود. در اين رابطه کارگران اعتصابی یک گروه اضطراری در کارخانه ترتیب دادند و به اتفاق آرا "الپاييز" معاون شورای کارگران را که در جريان اين حرکت پيشگام و فعال بود به جای رئيس قبلي انتخاب کردند. طی اشغال کارخانه کارگران ميتوانستند هر وقت که خواستند از کارخانه بيرون بروند و دوباره برگردند. در واقع اين یک اشغال سيال بود. در یک مورد مامورين کارخانه از ورود یکی از نمايندگان کارگران جلوگیری کرده و او را جلوی در کارخانه نگه داشتند. کارگران بلافاصله بصورت یک زنجير انساني گرد نماينده حلقه زده و او را به محوطه کارخانه آوردند. در حمايت از اشغال کارخانه کاترپيلار توسط کارگران، شورای کارگري

برامپتون یک ميتينگ برگزار کرد که ۷۰۰ تن از کارگران عضو آن در ميتينگ شرکت کردند و سخناني‌هایی در حمايت از کارگران ايراد گرديد. بالاخره وزير کار ايالت برامپتون با حاد شدن مسئله دخالت کرد و مديریت کارخانه حاضر به مذاکره گرديد. به اين ترتيب بعد از ۵ روز کارگران به اشغال کارخانه پايان دادند و اين کارخانه کار خود را از سر گرفت. تا رسيدن اين گزارش، مذاکره ميان نمايندگان کارگران و کارفرما ادامه داشته است. اما مديریت حاضر به کوتاه آمدن از شرايط خود نشده است. سخنگوی شورای کارگري کاترپيلار هشدار داد که اگر مديریت به شرايط کارگران يعني پرداخت یک ماه دستمزد به ازای هر سال سابقه کار و ساير خواسته‌هاي کارگران تسليم نشود، ما آمدمایم که دوباره حرکت خود را از سر گيريم و کارخانه را به اشغال خود در آوريم. ما در موارد ديگر نيز نشان داده‌ايم که اختراهاي خود را عملی خواهيم کرد.

of Mexican labour is organised, and, are there independent labour organisations?

A.A: An increasing number of people have been organizing in trade unions in some branches of the economy. The point is that although this is growing, it doesn't reflect real unions. I think there is a growing impact of what we call paper trade unions. They have the contract, they receive their quarters, but never have meetings, never have assemblies, are never involved in real defence of workers. At that level I would say no more than 23% of the work force is now organised in trade unions, which is a little more than the situation in the US. But it is much lower than the Canadian experience.

WT: You talked about international labour solidarity in your speech yesterday. How can an Iranian immigrant worker support the labour movement in Mexico?

A.A: I think the Iranian immigrant workers can follow the problems of the Mexican workers when they look at the changes taking place in the oil industry. We are also in the middle of a restructuring process in the oil areas and oil countries.

Just to understand what is going on with the Mexican struggles, what are the ways in which we are resisting the offensive of capital and the possibility of having some relations to support each other in the struggles.

You know that there are a lot of Mexicans living in the US without rights, without the possibility of organizing and suffering from being employed in the lowest-rank jobs in the US. It is extremely important to build some linkage with the Mexican community and the immigrant workers in the cities of the US.

WT: What is the way forward for the workers under the present conditions?

A.A: I think the working people need to view the problem internationally. We cannot advance without some reflection on the problems raised by centrally-planned economies, and also without looking at the process of restructuring in the capitalist economy. For the working class the point is that we are entering into a more globalized economy than ever and that we need to rebuild the international solidarity. It is going to be needed in the near future.

WT: Any message to the working people on May Day?

A.A: We always celebrate May Day in Mexico. We have demonstrations against capital and the economic policy. We have now chosen to move, to confront the free trade negotiations. We do not want free trade, privatization, the process of defeating all these social gains that the working class has struggled for. We want a wage increase immediately. These are very short term proposals to reorganize the movement, but it can be very important for the coming future. Because now we are trying to focus the trade union movement into the real problems that we are facing: the problems of austerity, free trade, wage devaluation and the worsening of working conditions.

From page 12

Interview with Amin Bagheri

such a thing is against Islamic principles, that you should defend the government, raise productivity, go to war and get killed, and so on.

WT: What base do the Islamic Councils have among workers?

A.B: None whatsoever. Even if we could say that 5 per cent - probably - followed them, this, for the workers in question, would be out of desperation and for fear of losing their jobs. This is mainly the case with unskilled workers who are fearful of their future. Workers sort out their problems through their underground networks and their particular connections. The Islamic Society has no other function but that of the regime's baton and a government spying organ.

WT: How far is holding general assemblies an established tradition among workers?

A.B: General assembly is a good form, but provided the workers of a workplace are so strong as to be able to enforce it on the management and Islamic Society. We have in fact two kinds of general assembly: one which workers themselves set up, from below; the other is called by the Islamic Society, their objective being to single out militant workers. These are controlled assemblies; in fact a trap. It is otherwise with general assemblies set up, for example, in the Meli Shoe industrial group by all the workers. Here you can't arrest 500 workers and throw them in gaol.

WT: What are the workers' most pressing demands?

A.B: The first thing a worker says, barely a month after starting a job, is that his or her wages are low. Since, whatever pay rise the worker might get, you also have, at the same time, a rocketing inflation. Another demand is the call for job grading, which gives the workers an opportunity to get a wage rise.

Next comes the question of working hours. Workers now work more than they did under the Shah's regime - 14 hours a day! On top of the ordinary 8 hours, you have to do at least 4 hours overtime, to be able to pay the huge monthly rents. In large workplaces - whose work force the government fears - workers call for two-day weekends [instead of the present six-day work week], and a 40-hour week. But we should bear in mind that today the question of inflation and the call for higher wages is the most important, with the demand for shorter work week coming next.

WT: What is your view on the demand for a 35-hour week?

A.B: I am not against it. Actually I am for a 25-hour week. But the problem is that this is only a wish. So long as there is not a powerful workers' organisation empowering the worker to enforce his or her will on the government, 35-hour week will only exist on paper. It is

then just a demand, and we have raised many such demands without achieving any of them - the reason being lack of an executive power. Our most powerful weapon is organisation and strike, which we lack. If we had them, we would pick a couple of our representatives and call for a 35-hour week, and if they didn't accept it, we would strike the next day through-out Iran.

WT: You could use the same argument on demands for pay rises. You could say, since we don't have an organisation, so getting a wage rise is not feasible; we should not even call for it...

A.B: We have many demands. We accept that there should be a 35-hour week; we want wage rises. But the point is that since we do not have an enforcing power, these will remain merely demands. We carried out dispersed protests many times, and we were suppressed; we did not win our demands. There are many examples.

WT: What is your opinion on the Islamic Republic's new labour legislation?

A.B: I will not accept a law drafted and legislated by some top-brass mullah. A law not approved by the genuine representatives of the working class, by workers' councils and organisations, lacks validity. This labour law of the Islamic Republic was only a bunch of files being tossed around from one state organ to the other. The only thing good in it is this 30-day annual holiday. But I am sure they'll attach so many strings and ifs and buts to it that they'll find a way not to grant it.

WT: What did the print workers that you were in contact with say about this legislation?

A.B: As far as I could see, none of the workers was in favour of this law. There was a discussion among us then that whenever the government wants *not* to give something, it writes a law for it. If the government really wanted to give the workers their social rights, it would at least not crush, ban and destroy their labour organisations. A law which is legislated while the representatives of the working class are in gaol, have been hunted down and executed, and who have had no part whatsoever in its drafting, lacks all validity.

WT: I'd like to ask you a more general question. What are the main tendencies among the Iranian workers, or at least the print workers with whom you were more closely involved?

A.B: Two tendencies can be observed. One, whose pre-occupation is not the working class; it is pre-occupied with its own past; works for certain reforms; but even here it is not successful and ends up practically on the same side as the Islamic Societies. This is the so-called right tendency, from which we have suffered a lot.

The other tendency are workers who understand that we are living in a class-ridden society, and that the struggle against the ruling classes has been going on historically. This tendency exposes the nature of the Islamic Society for what it is and believes that the working class should have its own

organisations, its own representatives, unions, and international links with workers every where. A situation in which when disaster strikes, even the worker next door doesn't get to hear, should not be allowed to exist.

WT: How influential is this radical tendency?

A.B: I can't give you figures, but it exists as a spontaneous tendency among workers. It rejects the Islamic Society, for example. It criticizes the right-wing in the workers' movement. Only recently I read in *Worker Today* that print workers were involved in a protest against the officials of the print workers co-op. Well, these officials are precisely the same right.

The radical tendency has much influence, not as an organisation, but, rather, in the form of the influence of its ideas, in the form of networks among workers.

WT: What is the influence of socialist and communist ideas among workers in Iran?

A.B: I'm very optimistic about this. Particularly since 1981/82, workers have been asking themselves what role they have in this society; to which class socialism belongs. They have come to realize that it is the means of struggle of their own class. Today the advanced worker has arrived at the conclusion that if they themselves don't take action, if they are not able to organise themselves - the workers of a factory and the workers' movement as a whole - it would be futile to expect anything from other [social] currents. The labour movement is today developing with its own material and mechanisms. This can be clearly seen in, for example, the print industry or other places which I have been in contact with.

WT: If you would, right this moment, go to the workers and ask them about communism, what would they say?

A.B: To give you an exact reply, I would have to divide workers into three groups: first, the ad-

vanced workers who have always stood for communism and for the workers' taking social power. Second, a middle group, which has its doubts about communism. Some of them say these are good ideas; others, pointing to the collapsed Socialism in the Soviet Union and Eastern Europe, say "so this was socialism!" The third group are those workers who, under an avalanche of propaganda [against socialism], have no readiness for these ideas.

WT: What has been the impact of the developments in the USSR and Eastern Europe among socialist and communist workers in Iran?

A.B: Every worker in Iran acquainted with the basics of communism knows that the USSR was not socialist. And among ourselves, we have always believed that the failure of this kind of socialism is just the beginning for the victory of workers of the world. We never fell for the illusion that it was socialism that was defeated.

WT: What is your view on labour activity outside Iran?

A.B: I think a heavy task rests on the shoulders of [exiled] Iranian workers abroad. If today in Iran the neck-tie of a bourgeois is disturbed by a breeze, the whole world hears about it and condemns it. In the meantime many workers are thrown into gaol and executed, without the unions [abroad] even hearing about the fate of their fellow workers in Iran. It is the duty of active workers abroad to convey the facts about the labour movement in Iran and its problems to the workers of other countries and build an organic link between them. They should be told of the disaster that has befallen us. This reactionary labour law of the Islamic Republic should be discussed, article by article, with workers' unions. They should get to know that workers have been executed for fighting for socialism, that we have not given up our demands and that they should support us in our struggle.

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue includes:
 • First of May celebrations by metal union in Iran
 • Solidarity evenings with Iranian workers in Denmark and Sweden
 • On 35-hour week - letter to the editor
 • Interview with labour activist

Andre Balde on the French rail strike
 • Slaughter of union activists in Brazil
 • US rail strike and government intervention
 • Unemployment in Germany - article
 • Interview with Mohsen Saidifar, transport worker and labour activist from Iran
 News of workers' struggles around the world are published in more detail in the Persian section.

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
 WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
 WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates:

Europe:

1 Year SKr120

6 Months SKr70

Elsewhere:

1 Year SKr180

6 Months SKr100

• Institutions double the rates

• All prices include p&p.

On US-Mexican labour movement

At a conference on the North American free trade agreement, held in early May in Toronto, Aram Moshir, WT co-worker in Canada, talked to labour activists Jim Benn, Alejandro Quiroz Soriano and Alejandro Alvarez. Excerpts:

Jim Benn, ex-steel worker, is the coordinator of the Federation for Industrial Retention & Renewal (FIRR). He has been organising coalitions throughout the US Midwest since 1984 in response to plant closures and the rising demand for grassroots participation in economic decision making.

WT: What is your view on the Free Trade Agreement?

J.B.: Other organisations, particularly the AFL-CIO, almost exclusively talk about *trade restrictions*. That had two problems for us: One was that it did not address the questions that were closing the factories in the US. The other, talking about industrial policy as a problem between nations, made it difficult to bring about unity, because it argued that it was other people that were the problem, not capital. A genuine trade policy would have to be just and based on the mutual development of the trading partners. The only freedom in the concept of Free Trade is freedom of capital and the abolition of social standards.

The American labour-union movement in general almost universally is opposed to the Free Trade concept. The principal reason is that it will lead to loss of jobs. What is critical though, is [not to fall into] a protectionist reactionary attitude that is coming out of the Reagan-Bush ideologies. Keeping the status quo is wrong. We should not foster nationalism. And it is my belief that there is a developing understanding, within the American labour-union movement, of the value of mutual development as an aspect of trade.

WT: What is the general status of the labour movement in the US?

J.B.: It is very bad. Right now about 16% of the workers in the US are in unions - 13% in the private sector, 3% in the public sector. The only area where there is any kind of growth is in the public sector where workers have very stable jobs.

One of the problems that labour is facing in the US is a problem of respect from working class people. That problem grew from the process of de-industrialization over the last 10-15 years. While factories were shut down and thousands of workers lost their jobs, the unions did not appear to be doing anything to prevent that. Then, adding insult to injury, since the workers, after losing their jobs, were not paying dues any more, the unions stopped paying attention to them. The workers were left on their own and really alienated. That, from our perspective, is the principal issue for the American labour movement. For us the re-birth of American labour unionism means that they have to transform their organizing targets, i.e. no longer be exclusively focused on organizing bargaining units on the shopfloor, but also focused on

organizing working class community around issues of economic justice.

WT: Some labour activists regard the existence of bureaucracy in the unions as the main obstacle to the development of the labour movement. What is your view? What do you think of the current reform movements - the New Directions, for instance?

J.B.: Reform movements are based upon the internal life of democracy within the organization of the union. They are good or bad depending upon the character of the reform they are demanding. Simply having access to power does not necessarily mean that the union would be more sophisticated or more strategically orientated.

I know many people in the New Directions movement in the United Auto Workers (UAW). I think they are good people, and given the opportunity to run the union, they may give the UAW a new direction. But they may not. It is not cut on stone that if they come to power things will necessarily change. What is just about them is that they have the right to be an opposition within their unions. What is absolutely critical is that they promote and develop democracy within the labour-union movement. If they didn't exist there may be the assumption of power that goes on for generations without change.

WT: Yesterday in the conference you talked about real solidarity between trade union movements of Canada, US and Mexico. How is this to come about?

J.B.: The situation is that all too often our policy on trade is defined by exclusively national, chauvinistic interests. And that is a policy that serves no other interest but the capitalists. The reality is that capital, particularly the multinational capital that is based in the United States, has no particular interest in the US or the communities. So for us to be exclusively focused on a nationalistic view while capital runs all over the globe, exploiting global market places, is stupid. We should be able to have some level of unity with the workers in those countries to urge that those standards be risen. The only way we can have economic security in the US is to know that there is not a labour market place out there that capital can exploit to poor us, to lower our standards at home. If the people in the other parts of the world are not willing to sell their labour cheap, or have the strength to get what is their right, then capital cannot have the freedom to exploit people at the expense of others. ■

We are the most important force in the country

Alejandro Quiroz Soriano is the representative for the Unified Fishery Workers for the Ministry of Fisheries of Mexico and the secretary for the International Solidarity of this union. He represents Mexican Friends Against the Free Trade Agreement.

Worker Today: What are the main problems and issues facing the working class movement in Mexico?

Alejandro Quiroz Soriano: The situation for the Mexican labour movement is very difficult, because the government is trying to impose very restrict laws on Mexican workers. In many ways the Mexican government has violated workers' rights. This is due to a profound social, economic and political crisis in Mexico, which has resulted from the foreign debt problem and also the failure of Mexican economic policies. In the last 8 years the concentration of wealth has increased. The big foreign capitalists, in association with the Mexican capitalists, own about 51% of the GNP in Mexico. Workers have seen decreasing ownership of that wealth. For example in 1980 workers had about 37.5% of the wealth that was produced in the country, but in 1990 that had fallen to about 25%.

Another feature of our situation is unemployment. Now there is a 28% unemployment level which means 1 out of every 3 persons is unemployed. The official government statistics show that about 20

million Mexicans live below the poverty line. This has forced us to look for a resolution to these problems.

Traditionally the Mexican government has always had stiff control over trade unions, peasant organisations and also popular organisations. This control system is not only corporate control but also a political system which has created a one-party system in Mexico. Our country is going through a process of transition and our aim is to achieve some kind of change through peaceful means, i.e. liberty and freedom of movement and organisation for our trade unions. This is in theory essential for us because we are the most important force in our country, i.e. the trade unions. But what our government has done is to [change] the labour law, the constitution and also the international laws with respect to labour. Fundamentally the right to organise, to go on strike, to become affiliates of trade unions has been attacked.

With respect to the Free Trade Agreement, things are a little different. The trade unions that are controlled by the government support the Free Trade Agreement without any conditions. Because their life line basically is connect-

ed to the Mexican government. The only way they can keep their existence is through this support of the government.

WT: Have there been any efforts by the workers to build their independent trade unions?

A.Q.S.: Yes. There have been a lot of efforts to organise free and independent trade unions, a lot of which have been suppressed by the government. But in the last 20 years the number of independent trade unions has increased. This means a great deal of advance for our country.

WT: Could you tell us about May Day in Mexico? What are the demands of the Mexican workers on this day?

A.Q.S.: The First of May celebrations have been organised by the government or the official trade unions in support of governmental policies. The independent voice of the workers on the First of May has been repressed. They do not allow the independent declaration of demands by the workers. The place in the middle of Mexico City where these May Day demonstrations are held are always occupied by the police and the security armed forces for the day so that they can impede the independent trade unionists from marching towards the centre of the city. Ironically once there was a case where there were more soldiers and police than demonstrators! But usually there are marches organised by democratic free trade unions. ■

the problems of speed-ups in production, and the decision of the companies to stop production without any advice, depending on the conditions in the market. For the Mexican working class we have seen a decrease in their standard of living and growing problems in the ability to survive.

WT: Do workers have the right to strike and to organise independently?

A.A.: It is a good idea to refer to some specific conditions of operation of the political system in Mexico. Because most of the unions are officially recognized and at the same time belong to the official party, i.e. the state party, if you enter a union you automatically belong to the official party which is the problem. We do not have the right to organise independent unions. Much of the movement has been developing through independent unions without official recognition. In other words it is important that the workers are not only demanding an increase in wages but also the right to organise independently and for democracy in the unions.

WT: Tell us about the labour organisations. What percentage

Labour movement is re-organising its forces

Alejandro Alvarez is labour economist at the National Autonomous University of Mexico and has written extensively on the economic crisis in Mexico and the Mexican labour movement.

Worker Today: Would you tell us about the general situation of the Mexican labour movement?

Alejandro Alvarez: We were going through the offensive stage of the trade union movement after severe setbacks during the '80s in different branches of the industry, which was the result of the austerity program signed by the government with the International Monetary Fund. We have seen the problem of growing unemployment, the economy is completely stagnant, and there is also problems with inflation and the freezing of the wages. In general the trade union movement has been trying to seize this adjustment program and to reorganize forces in order to fight the challenge of new technologies and industrial restructuring in the North American region.

WT: Could you tell us briefly about the living condition of the Mexican workers?

A.A.: If you take into account that the Mexican wages have lost almost half of their purchasing power in the last ten years you can imagine that the working class is living with the lowest wage levels in the world. I think the working class in the urban areas are spending much of their wages on housing and transportation. Mexico City is a very big city and usually workers are not living in the same area where they work. A worker who has been working let's say nine hours has to spend one and a half hours in the morning to go to work and one and a half to return home at night. Imagine the kind of conditions for the working class as a whole. We have a lot of related industrial injuries. We have seen

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

Sweden	SKr12
Denmark	DKr13
Germany	DM3
Britain	£1.2
France	FF12
USA	US\$1.5
Canada	C\$2
Other non-European	US\$2

Page 12, Vol. 2, No. 15, July 1991

صفحه ۱۲، سال اول، شماره ۱۵ تیر ۱۳۷۰

IN BRIEF

Australia

250,000 metalworkers went on strike on June 13, following three weeks of scattered lightning strikes over pay increases. The metalworkers were joined by workers from some mining and electrical trades industry sectors. Meanwhile, Australia's 'Industrial Relations Commission' swiftly granted the metal employers the right to suspend strikers.

Finland

Up to 3,500 dockworkers at Finland's ports began a strike action on June 2 after lockout by the employers.

Britain

North Sea oil unions and management reached agreement in principle to union recognition and pay and conditions demands. Offshore workers at North Sea oil were last year involved in extensive strike actions over the two key demands of safety and union recognition.

Germany

The leadership of German IG Metall union came under severe criticism at the union's centenary celebrations early in June by angry members protesting against the invitation of Helmut Kohl to the ceremony.

• German metal unions and employers reached agreement on a 6.7 per cent pay rise to be effective from July 1st.

Carnage in Latin America

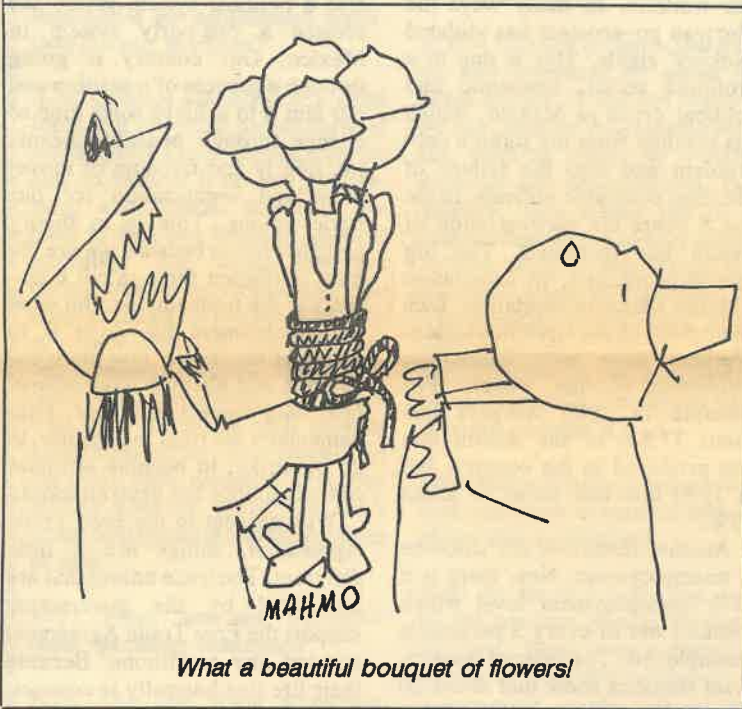
138 labour activists murdered in Columbia alone over 15 months

Latin America is the world's most dangerous place for trade unionists, says a report by the International Confederation of Free Trade Unions (ICFTU), presented to the International Labour Office (ILO). In Columbia alone, 138 labour activists were murdered during the 15 months to the end of March.

According to a report in *Financial Times*, writing on the ICFTU report, worldwide 264 labour activists were killed for activities to promote workers' interests. Torture, intimidation and death

threats continued to be part of every day life for many workers' representatives.

In all, 72 countries and 2,422 instances of detention and arrests are mentioned. South Africa, Sudan and Ivory Coast are among the most unsafe places for workers' representatives. In China, many independent trade unionists were still in gaol without charge or had been "incorporated into the penal slave labour force". Denmark, Greece, the Netherlands and Malta were cited for restricting union rights.



What a beautiful bouquet of flowers!

Pressure mounts on the Islamic regime in Iran

Labour organisations in Europe and USA denounce violation of workers' rights

WT News Service:

A growing number of unions and organisations in Europe and North America have in a series of letters and resolutions strongly condemned the anti-working class policies of the Iranian government.

In the US, following contacts by activists of the Communist Party of Iran and efforts by Ali Javadi, WT co-worker, the United Electrical, Radio and Machine Workers of America (UE), sent a strongly worded letter to the interest section of the Iranian government in the US, denouncing the repression against labour activists. Also the Utility Workers Union of America (UWUA), Region V, in a letter of protest condemned the execution of militant workers, expressing its shock and anger at the creation of "slave conditions for working people in the late 20th century". Local #1990 of the American Federation of Teachers (AFT) in a resolution, referring to the denial of strike and organisation right for workers in

Iran, execution of labour activists, institution of discriminatory laws against working women and the denial of basic human and labour rights for immigrant Afghan workers, called for the expulsion of the Iranian government from the International Labour Organisation.

In Canada, a recently held congress of the Party of Socialist Struggle denounced the Iranian regime for the denial of strike and organisation right for Iranian workers and the execution of labour activist Jamal Cheragh-Vaissy.

In Austria, the women's organisation of the Austrian Federation of Trade Unions (OGB) sent a letter of protest to the Iranian Ambassador in Austria.

In France, in a letter to the Iranian Ambassador in Paris, the International Solidarity and Sponsorship Committee (CPSI), denouncing the execution of workers, called for "a labour law, which recognises the basic rights of Iranian workers, to replace the Islamic Republic labour law".

Strike hits French railways

WT News Service:

A national strike by railway workers on 14-15 and 23-24 May, called by five rail unions, disrupted traffic in Paris suburbs and across the country, reports Sara Aslani, WT correspondent in France.

The strike on May 14 came as parliament assembled to consider a new bill on retirement regulations. For the rail workers the new

proposals would raise the retirement age to 55 - for engine drivers - and to 60, for other rail workers. The proposed changes come at a time when jobs are also continuously being cut in the railways.

Among other demands of the workers were pay rises and determination of wage levels according to skill. 75 to 95 per cent of the rail workers took part in the action.

On the labour movement in Iran

Interview with Amin Bagheri, labour activist from Iran

Amin Bagheri, print worker in Tehran from 1971 until 1989, when he was forced to leave the country, was among the founders and activists of the Independent Printworkers Union, built in 1979. The printworkers union, which mainly sought to gain state recognition, was finally dissolved by the government in 1982. WT co-worker Mostafa Saaber talked to Amin Bagheri about various issues concerning the labour movement in Iran. Excerpts:

Worker Today: Could you briefly describe the present situation of workers in Iran?

Amin Bagheri: The workers' struggles for economic demands have been going on continuously - particularly during the last ten years. The issues have included the labour law, introduction of a job classification scheme, shorter working week, higher pay, etc.

WT: What are the major problems encountered by the workers?

A.B: Workers' essential problem

is lack of organisation. Living as they do under Islamic repression, workers of none of the industries have been able to set up their genuine organisations. The Islamic Societies [the government's religious-police watchdogs in the workplaces] have dominated absolutely.

WT: What do you mean "absolute domination"?

A.B: The Islamic Societies, as you know, are the government's batons used to crush the organisations which workers set up. Workers set up such temporary organisations at

certain times in order to fight for specific demands. The job of the Islamic Societies is to spy on and to inform about the active workers involved in building these organisations. In the past ten years, struggling over a particular grievance has meant putting your life on the line; it has meant fighting the Islamic Societies.

WT: You single out the Islamic Societies. But the government has set up Islamic Councils, too, with the 'Worker House' organ at their head. What about these organs?

A.B: The Islamic Societies are precisely a section of the regime itself; part of a specific plan against the workers. It is only demagoguery when they are presented in the guise of Islamic Councils, in the name of "councils". All workers know this. For them, [workers'] councils had specific characteristics; they were regarded by workers as their genuine representatives. Now you have the Islamic Societies which come up and tell the workers that such and

Continued on page 10

Turkey: Mass rally against unemployment

WT News Service:

Tens of thousands of workers marched through the Turkish town of Bursa on June 2 in protest against mass redundancies and firings, reports Salman Kashi, WT correspondent from Turkey.

As many as 60,000 workers took part in this rally called by Turk-Ish union. Speaking to the crowd, the union's leader Shevket Yilmaz referred to the termination of the contracts of 500,000 workers of the industries in the south. He said

that the coming days would see further rallies and meetings and a series of strikes.

A number of workers shouting militant slogans were attacked by the police, and over 500 were detained for questioning in police buses. Among the slogans chanted by the demonstrators were "bread, peace, freedom", "radio and TV belong to the capitalists, the streets to workers". Hours after the end of the rally, the police were still controlling the main streets, stopping and searching the pedestrians.

On US and Mexican labour movement Worker Today talked to labour activists

p.11